

قومیت و باروری: آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه*

محمدجلال عباسی شوازی*

حاتم حسینی*

هدف از این مقاله، تبیین رفتار باروری زنان کرد و ترک در چارچوب رویکردهای نظری ارائه شده برای تبیین تفاوت‌های باروری اقوام است. روش تحقیق پیمایشی و جمعیت آماری، کلیه خانوارهای معمولی ساکن در شهرستان ارومیه و زنان ۱۵-۴۹ ساله حداقل یک‌بار ازدواج کرده است که در داخل خانوارها شناسایی و مورد مصاحبه قرار گرفتند. حجم کل نمونه ۷۶۸ خانوار تعیین و در نهایت پرسشنامه‌های مربوط به ۷۳۹ زن واجد شرایط تحلیل شد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که هرچند تفاوت باروری گروه‌های قومی در گذر زمان کمتر شده است، اما کردها در مقایسه با ترک‌ها، متوسط زنده‌زایی بیشتری در کوهورت‌های مختلف ازدواج و موالید تجربه کرده‌اند. در زمان تحقیق متوسط زنده‌زایی زنان کرد (۳/۳) بیشتر از ترک‌ها (۲/۲) و تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار بوده است. بر پایه این بررسی، تأثیر قومیت بر باروری زمینه‌ای و در کوهورت‌های مختلف ازدواج متفاوت است. نتایج بیانگر آن است که اتخاذ یک رویکرد ترکیبی و جامع در تحلیل تفاوت‌های قومی در باروری، تبیین بهتری در مقایسه با فرضیه همانندی مشخصه‌ها و مدل هنجاری-فرهنگی به‌دست می‌دهد.

واژگان کلیدی: باروری، قومیت، کرد و ترک، عوامل بلافاصل، تحلیل نسلی، عوامل زمینه‌ای.

* از پیشنهادات اصلاحی آقایان دکتر محمود قاضی طباطبائی، دکتر حسین محمودیان و دکتر محمد

میرزائی و حمایت معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران سپاسگزاری می‌شود.

mabbasi@ut.ac.ir

* دانشجویان گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

h_hosseini@basu.ac.ir

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

مقدمه

جمعیت جهان طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰، کاهش بی‌سابقه و چشم‌گیری در سطوح باروری تجربه کرد که بیشتر ناشی از کاهش باروری در کشورهای در حال توسعه بود. به موازات تحولات جمعیت‌شناختی در دنیا، ایران نیز تغییرات جمعیت‌شناختی گسترده‌ای را تجربه کرد. طی سه دهه گذشته باروری به طرز چشم‌گیری کاهش پیدا کرد. این وضعیت سبب شد تا ایران، طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶، به جرگه کشورهای بیبوند که دارای باروری در سطح یا زیر سطح جایگزینی بودند (اداره منابع جمعیتی^۱ ۲۰۰۶: ۸-۹).

مطالعات عباسی شوازی^۲ و مک دونالد^۳ (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۶) نشان داد که کاهش باروری در ایران، به طور هم‌زمان، در تمام مناطق جغرافیایی و گروه‌های سنی باروری صورت گرفته است. براساس آخرین بررسی‌های صورت گرفته (حسینی چاوشی^۴ و همکاران ۲۰۰۷: ۱۲)، استان‌های ایران از نظر سطح باروری در سال ۱۳۷۹، در سه گروه، استان‌های با باروری زیر سطح جایگزینی، نزدیک سطح جایگزینی و بالای سطح جایگزینی جای می‌گیرند. گروه اول و دوم، به استثنای شهر تهران، در مجموع حدود ۶۸ درصد استان‌های ایران را در بر می‌گیرند و دسته سوم که باروری آن‌ها در دامنه‌ای بین ۲/۳ و ۴/۷ فرزند برای هر مادر در نوسان است، حدود ۳۲ درصد استان‌های ایران را شامل می‌شود. توزیع استان‌های ایران در گروه‌های سه‌گانه متفاوت و در عین حال جالب است. برای مثال، آذربایجان شرقی و کردستان به ترتیب با ترکیب قومی تُرک و کُرد در گروه اول، سمنان و یزد با ترکیب قومی فارس در گروه دوم، و آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان با جمعیت ناهمگن از نظر قومی و مذهبی در گروه سوم جای دارند.

بنابراین، می‌توان گفت پویایی الگوهای باروری در ایران حول سه محور عمده مذهب، قومیت و شرایط اقتصادی-اجتماعی است. بررسی‌ها (عباسی شوازی و حسینی ۲۰۰۸) نشان می‌دهد که در طول دوران گذار باروری در ایران، گروه‌های قومی سطوح متفاوت اما روندهای باروری مشابهی با روندهای ملی باروری و اکثریت فارس تجربه کرده‌اند. عباسی شوازی و مک‌دونالد (۲۰۰۵: ۲۵) بر این باورند که خاستگاه این تفاوت‌ها ممکن است قومی یا مذهبی باشد، زیرا تأثیر تغییرات اقتصادی-اجتماعی و برنامه‌های دولت بر رفتار باروری با میانجی‌گری زمینه‌های قومی و فرهنگی صورت می‌گیرد. هویت قومی، به‌ویژه

1. Population Reference Bureau

2. Abbasi

3. Mc Donald

4. Hosseini-Chavoshi

در جوامع متکثر به لحاظ فرهنگی، یک عامل بازدارنده قوی برای همگرایی جمعیت‌شناختی، است. جغرافیای گذار باروری در اروپا بر اهمیت مرزهای زبانی، قومی و فرهنگی در تغییرات باروری صحه می‌گذارد یافته‌های پروژه باروری اروپایی پرینستون نشان داد (نادل^۱ و وان د وال^۲ ۱۹۷۹، وان د وال و نادل ۱۹۸۰، کول^۳ ۱۹۷۳) در برخی از مناطق اروپا که از نظر توسعه اقتصادی-اجتماعی وضعیتی مشابهی داشتند، کاهش باروری به‌طور هم‌زمان تجربه نشد، در حالی که مناطقی با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی کمتر مشابه، کاهش تقریباً همانندی را در باروری تجربه کردند. بر این اساس، واتکینز^۴ (۱۹۹۱ به نقل از ویکس^۵ ۲۰۰۲: ۹۷) استدلال می‌کند که مناطقی با عناصر فرهنگی مشترک مثل زبان یکسان، زمینه قومی مشترک و سبک زندگی مشابه، در مقایسه با مناطقی که از نظر فرهنگی کمتر مشابه هستند، بیشتر احتمال دارد که کاهش باروری را با هم تجربه کنند. به نظر می‌رسد فاصله اجتماعی بین افراد، که تفاوت‌های زبانی و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی از مصادیق بارز آن هستند (محمودیان^۶ و کارمایکل^۷ ۱۹۹۸: ۲۵۹؛ ویکس ۲۰۰۲: ۹۸) یکی از موانع جدی فرا راه گسترش و اشاعه اندیشه تنظیم خانواده و کنترل موالید در میان گروه‌های قومی و مذهبی است.

بررسی باروری افتراقی و تعیین‌کننده‌های آن به عنوان یکی از عناصر اصلی گذار جمعیت‌شناختی در میان زیرگروه‌های جمعیتی، آگاهی و بینش بهتری نسبت به سطوح و روندهای آینده باروری به دست می‌دهد. تفاوت‌های قومی در سطوح و روندهای باروری، به‌خاطر همگرایی گروه‌های قومی در سطوح و روندهای مرگ و میر، می‌تواند به تفاوت‌های قومی در گذار جمعیت‌شناختی منجر شود که خود حجم و میزان‌های متفاوتی از رشد جمعیت را بر گروه‌های قومی و مذهبی تحمیل خواهد کرد. حجم و ترکیب گروه‌های قومی و مذهبی همواره مبنای پی‌ریزی دعاوی قومی، مشروعیت بخشیدن به جایگاه گروه‌های قومی و مذهبی و سهم آن‌ها در نظام توزیع منابع است (طالب و گودرزی ۱۳۸۲). گروه‌های قومی و مذهبی، با تأکید بر عوامل جمعیت‌شناختی، تلاش می‌کنند تا منافع و موقعیت اقتصادی و سیاسی خود را بهبود بخشند و در رقابت با

1. Knodel

3. Coate

5. Weeks

7. Carmichael

2. Van de Walle

4. Watkins

6. Mahmoudian

سایر گروه‌های قومی و مذهبی موقعیت چانه‌زنی خود را تقویت کنند. بی‌تردید، تغییر موازنه جمعیتی، به‌ویژه در سطح منطقه‌ای و محلی، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و در نهایت جمعیت‌شناختی مهمی برای گروه‌های قومی و مذهبی و کل جامعه خواهد داشت.

در ایران، اگرچه براساس آمارهای رسمی، فارس‌ها در مقایسه با سایر گروه‌های قومی دارای بیشترین سهم، ۴۶/۲ درصد، از جمعیت کل کشور هستند، اما جمعیت گروه‌های قومی در مجموع بیشتر از اکثریت فارس است. در این میان، تُرک‌ها و کُردها به‌ترتیب با سهم نسبی ۲۰/۶ درصد و ۱۰ درصد جمعیت به‌ترتیب دومین و سومین گروه قومی در ایران هستند (زنجان‌ی و دیگران ۱۳۷۸: ۵۳، زنجان‌ی و ناصری ۱۳۷۵). بررسی‌های صورت گرفته (عرفانی^۱ ۲۰۰۵، حسینی ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰) گویای آن است که تفاوت‌های منطقه‌ای زیادی در شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران وجود دارد. در آذربایجان غربی سهم کُردها در زمینه‌هایی چون آموزش (حسینی ۱۳۸۰ الف: ۸۵)، میزان مشارکت سیاسی، احساس بی‌عدالتی قومی (بلالی ۱۳۸۴)، میزان مشارکت زنان در بازار کار و سایر شاخص‌های توسعه کمتر از تُرک‌هاست. به باور کُللون^۲ (۱۹۸۹) با افزایش درجه نوسازی، تصمیم زوجین درباره شمار و زمان‌بندی مولید، نه تنها به تأثیراتی که یک خُرده‌فرهنگ قومی ممکن است بر آن‌ها داشته باشد، بلکه به اندازه تعامل و درگیری آن‌ها با نهادهای مدرن نیز بستگی دارد.

با توجه به تحولات باروری در ایران (عبّاسی شوازی ۲۰۰۰؛ عبّاسی شوازی و مک دونالد ۲۰۰۵؛ میرزایی^۳ ۲۰۰۵) و تفاوت‌های قومی در تجربه تغییرات باروری در سطح کلان (عبّاسی شوازی و حسینی^۴ ۲۰۰۸) و نیز همگرایی باروری گروه‌های قومی با روندهای ملی و اکثریت فارس در سال‌های اواخر دهه ۱۳۷۰ (عبّاسی شوازی و حسینی و نای پنگ^۵ ۱۳۸۶؛ عبّاسی شوازی و حسینی ۲۰۰۸؛ عبّاسی شوازی ۱۳۸۰؛ صادقی ۱۳۸۳؛ عبّاسی شوازی و صادقی ۱۳۸۶)، این مطالعه حول این سؤال کلی سامان یافته است که چه تفاوت‌هایی در رفتار باروری زنان کُرد و تُرک آذربایجان غربی وجود دارد؟ آیا رفتار باروری صرفاً در ارتباط با هنجارهای خُرده‌فرهنگی و موقعیت گروه اقلیت است، یا ناشی از جایگاه متفاوت گروه‌های قومی در نظام اقتصادی و اجتماعی است؟ چگونه تعامل عوامل

1. Erfani
3. Mirzaie
5. Nai Peng

2. Kolllehton
4. Hosseini

اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی، عوامل قومی-فرهنگی، نگرش‌ها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری و تعیین‌کننده‌های بلافصل، سطح باروری گروه‌های قومی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؟ با کنترل عوامل زمینه‌ای و تعیین‌کننده‌های بلافصل چه تغییراتی در باروری گروه‌های قومی به وجود می‌آید؟ کدام‌یک از رویکردهای نظری در مورد موضوع قومیت و باروری از کارایی نسبی بیشتری برای تبیین تفاوت باروری گروه‌های قومی در منطقه مورد بررسی برخوردار است؟

ضرورت‌ها و هدف تحقیق

از زمانی که تحقیقات تجربی درباره‌گذار جمعیت‌شناختی در کشورهای صنعتی شروع شد، بررسی باروری افتراقی در کانون بررسی‌های جمعیت‌شناختی قرار گرفت (کله‌لند و رودریگز^۱ ۱۹۸۸: ۴۱۹). باروری، عامل جایگزینی بیولوژیک و تداوم نسل‌هاست. جایگزینی و تجدید نسل‌ها فرآیند پیچیده‌ای است که، علی‌رغم محدودیت‌های فیزیکی باروری انسان، عوامل زمینه‌ای در تعیین سطوح و روندهای آن نقش مهمی دارند (بهند و کانیتکار^۲ ۱۹۹۴).

رشد جمعیت به‌طور کامل به فرآیندهای باروری انسان وابسته است. امروزه، تغییرات کاهنده در سطح باروری در کنار ثبات نسبی مرگ و میر در سطوح پایین در ایران سبب شده است تا آهنگ رشد جمعیت به‌کندی گراید. در ایران، که تحت‌تأثیر تحولات باروری دهه‌های اخیر، تغییرات جمعیت‌شناختی گسترده‌ای را تجربه کرده و با چالش‌های جمعیتی مهمی مواجه شده است (میرزایی و دیگران ۱۳۸۲)، باروری نقش مهمی در تحولات آتی جمعیت خواهد داشت. هرگونه سیاست‌گذاری در مورد روندهای جمعیتی در آینده و اتخاذ هرگونه برنامه عمل، مستلزم آگاهی و شناخت از عوامل و تعیین‌کننده‌های تغییرات جمعیت است که باروری مهم‌ترین آن‌هاست. بنابراین، با افزایش اهمیت نقش باروری در تغییرات آتی جمعیت ایران، توجه به این پدیده و اندازه‌گیری و تبیین آن بیشتر از پیش مهم خواهد بود.

حجم و ساخت سنی هر جمعیتی تحت‌تأثیر باروری شکل می‌گیرد. تفاوت‌های اندک در باروری به حجم و ساختارهای جمعیتی متفاوت منجر خواهد شد. باروری به‌عنوان یک پدیده زیستی، تحت‌تأثیر عوامل، شرایط و زمینه‌هایی است که قومیت یکی از آن‌هاست.

1. Cleland & Rodriguez

2. Behende & Kanitkar

مک‌دونالد (۲۰۰۲) گروه‌های قومی را یکی از بسترهای مناسب برای بررسی روندهای جمعیت‌شناختی می‌داند. تنوع قومی یکی از عناصر کلیدی تغییرات در الگوهای باروری است. تعلق قومی از طریق تسهیل و تقویت اشاعه ایده‌های جدید مرتبط با باروری و تأکید بر حفظ ارزش‌ها و هنجارهای قومی و ممانعت از پذیرش ایده‌های جدید، به صورت دوگانه و در جهات مختلف، نگرش‌ها و رفتار باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به تغییرات جمعیتی دهه‌های اخیر و ضرورت اتخاذ سیاستی روشن و شفاف در زمینه باروری و آهنگ رشد جمعیت در آینده، آگاهی و شناخت از این‌که قومیت از طریق چه مکانیزم‌هایی باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نقش مهمی در درک پویایی جمعیت و روندهای آن خواهد داشت. عدم توجه به اهمیت پاسخ‌های متفاوت قومی به سیاست‌های جمعیتی دولت، به یک ترکیب قومی متغیر منجر خواهد شد که پیامدهای اقتصادی-اجتماعی و سیاسی مهمی در سطح منطقه‌ای و ملی خواهد داشت.

آذربایجان غربی دارای یک جمعیت ناهمگن از نظر قومی و مذهبی است. سهم متفاوت گروه‌های قومی و مذهبی از جمعیت کل استان، برخورداری ناهمسان آن‌ها از شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی (حسینی ۱۳۸۵)، مشارکت نابرابر در دستگاه‌های سیاسی و اداری و احساس بی‌عدالتی قومی و محرومیت اجتماعی از سوی اقلیت‌گرد (بلالی ۱۳۸۴)، بستری مناسب برای بررسی تفاوت‌های قومی در رفتار و تعیین‌کننده‌های باروری فراهم کرده است. در این استان، که همسو با سایر استان‌های ایران گذار باروری را در سال‌های اخیر تجربه کرده است (عباسی شوازی و مک‌دونالد ۲۰۰۵)، بررسی باروری افتراقی کمک مؤثری در زمینه آگاهی و شناخت از نگرش‌ها و ایده‌آل‌ها و تعیین‌کننده‌های سطح و الگوی باروری و در نهایت پیش‌بینی آینده گذار باروری در میان این دو گروه قومی خواهد کرد. اطلاعات به‌دست آمده از این بررسی ایده‌هایی درباره سهم نسبی هر گروه قومی در روندهای باروری به دست خواهد داد و به سیاست‌گذاران جمعیتی کمک خواهد کرد تا به‌طور دقیق‌تر روندهای آتی باروری و حجم جمعیت هر گروه قومی را در سطح منطقه پیش‌بینی کنند.

هدف از این تحقیق، تبیین رفتار باروری گروه‌های قومی گرد و تُرک ساکن در شهرستان ارومیه، به منظور دستیابی به یک چارچوب تحلیلی مناسب جهت تبیین رابطه قومیت و باروری است.

چارچوب مفهومی و مدل‌های تحلیل

تلاش‌های زیادی برای درک تعیین‌کننده‌های باروری و فرمول‌بندی تئوری‌ها و مدل‌های مناسبی که رفتارهای تولیدمثل را تبیین کند از سوی صاحب‌نظران عرصه‌های مختلف صورت گرفته است. انسلی کول (۱۹۷۳) سه پیش‌شرط را برای گذار باروری تعیین کرده است: ۱) کنترل باروری باید در حوزه انتخاب عقلانی قرار گیرد. این پیش‌شرط به شخصیت و رفتار انسان‌ها مربوط می‌شود. زوج‌ها به جای این‌که گمان کنند این خداوند است که تعداد فرزندان‌شان را تعیین می‌کند، باید تولد فرزندان را به عنوان یکی از مسایل تحت اختیار آگاهانه خود به حساب بیاورند، ۲) کاهش باروری باید به عنوان یک مزیت اقتصادی و اجتماعی نگریسته شود. افراد باید احساس کنند که داشتن فرزند کمتر یا به تأخیر انداختن تولد فرزندان، با توجه به شرایط زندگی آن‌ها، امری پسندیده و مطلوب است. در غیر این صورت، هیچ دلیلی برای استفاده از وسایل کنترل باروری نخواهند داشت و ۳) وسایل و تکنیک‌های مؤثر کنترل موالید باید در دسترس افراد قرار گیرد. حتی هنگامی‌که افراد می‌خواهند باروری را محدود کنند، حاملگی تنها در صورتی کنترل خواهد شد که وسایل مؤثر کنترل موالید در دسترس باشد. پیشرفت وسایل مدرن پیشگیری از حاملگی توانایی افراد را برای کنترل باروری‌شان، ورای هر آنچه که در قرن‌های گذشته در دسترس افراد بوده، افزایش داده است.

هرچند این سه پیش‌شرط برای شروع فرآیند کاهش باروری لازم است، اما تبیین تغییرات باروری میباحثات بسیاری را برانگیخته است. موضوع بحث و اختلاف نظر میان جمعیت‌شناسان این بوده است که چرا برخی جوامع، مناطق و یا گروه‌های قومی و فرهنگی کاهش باروری و گذار جمعیت‌شناختی‌شان را در مقاطع زمانی مختلفی از تاریخ خود آغاز کرده‌اند. رویکردهای اصلی مخالف مبتنی بر تبیین‌های انتخاب عقلانی و هنجاری-فرهنگی هستند. هریک از این نظریه‌ها در برگیرنده رویکردهای نظری گوناگون است. اگرچه در هریک از آن‌ها وابستگی متقابل عناصر سهیم در گذار تشخیص داده شده است، اما در مورد اهمیت نسبی تعیین‌کننده‌های مختلف مؤثر بر گذار باروری در طول زمان، متفاوت از هم هستند. فرضیه‌های تبیین ساختاری در سطح وسیعی در برگیرنده نظریه کلاسیک گذار جمعیت‌شناختی، نظریه جریان ثروت بین نسلی کالدول، نظریه آستانه پیشنهاد شده به وسیله سازمان ملل در سال ۱۹۶۳، فرضیه مشخصه‌های گلدشایدنر و اولنبرگ^۱ و نظریه‌های اقتصاد خرد است که از میان آن‌ها فرضیه مشخصه‌ها برای تبیین تفاوت‌های قومی در باروری استفاده شده است. تبیین‌های

1. Goldscheider & Uhlenberg

هنجاری - فرهنگی از گذار باروری را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته نظریه‌های اندیشه‌ای^۱ و رویکرد هنجاری - فرهنگی تقسیم کرد که مورد اخیر به‌طور مشخص در پاسخ به محدودیت‌های رویکرد مشخصه‌ها و به عنوان جایگزینی برای آن ارایه شد.

رویکرد همانندی مشخصه‌ها

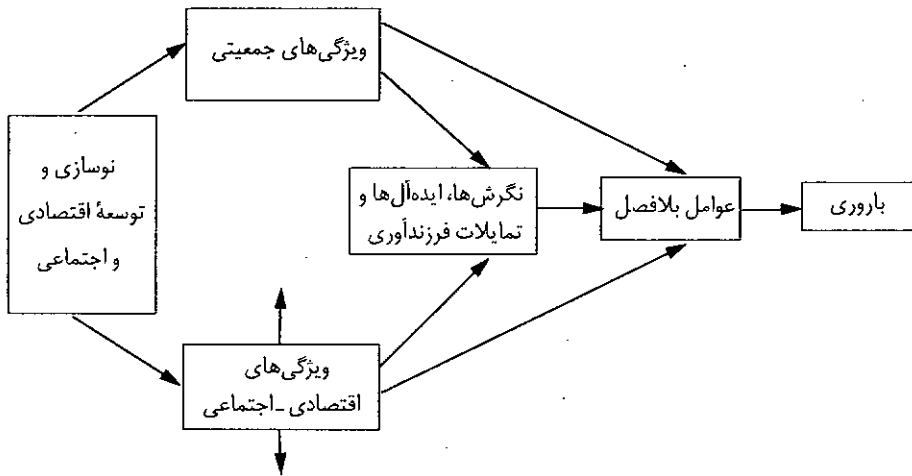
در این رویکرد تفاوت باروری گروه‌های قومی به تفاوت‌های قومی در مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی زنان یا همسران آن‌ها نسبت داده می‌شود. به بیان دیگر، اختلافات باروری گروه‌های قومی صرفاً بازتاب تفاوت‌های قومی در توزیع منابع اقتصادی و اجتماعی مرتبط با تصمیم‌گیری برای تولیدمثل (فورست و تیندا^۲ ۱۹۹۶: ۱۱۱) و به‌طور کلی، تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناختی آن‌هاست (جانسون^۳ ۱۹۷۹: ۱۳۸۶، اسپنشاد و یی^۴ ۱۹۹۴: ۹۸). بنابراین، انتظار می‌رود با ایجاد همانندی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و کاهش شکاف‌های توسعه‌ای، تفاوت‌های قومی باروری به حداقل برسد و به سوی همگرایی میل کند. بر این اساس، استدلال می‌شود که قومیت تأثیر مستقل معنی‌داری بر باروری ندارد و تفاوت‌های موجود در باروری گروه‌های قومی، پدیده‌ای مقطعی است که در گذر زمان در اثر نوسازی و ایجاد همانندی در توسعه اقتصادی و اجتماعی از بین می‌رود (گلدشایدنر و اولنبرگ ۱۹۶۹، جانسون ۱۹۷۹، نای پنگ ۲۰۰۲، پوستون^۵ و دیگران ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶).

شکل شماره ۱ مدل تحلیلی اصلاح شده برای تبیین تفاوت‌های قومی در باروری را براساس رویکرد همانندی مشخصه‌ها نشان می‌دهد^{*}. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تفاوت‌ها در مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی به نوبه خود به تفاوت در نگرش‌ها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری و در نتیجه تفاوت‌های قومی در تعیین‌کننده‌های بلافصل و در نهایت باروری منجر می‌شود.

1. Ideational Theories
3. Johnson
5. Poston

2. Forste & Tienda
4. Spenshade & Ye

* یکی از اشکالات رویکرد همانندی مشخصه‌ها در تبیین تفاوت‌های قومی در باروری، به‌ویژه در نسل نخست مطالعات قومیت و باروری، عدم توجه به عوامل بینابین و بلافصل در رابطه قومیت و باروری بود. در واقع، در این مطالعات سعی می‌شد تا با بررسی تأثیر مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی بر باروری، به تبیین تفاوت‌های قومی در باروری بپردازند. شکل شماره ۱ با در نظر گرفتن این واقعیت تهیه شده است که تأثیر عوامل زمینه‌ای بر باروری تنها با میانجی‌گری عوامل بلافصل مؤثر بر باروری صورت می‌گیرد.



شکل شماره ۱. مدل تحلیل تفاوت‌های قومی در باروری براساس رویکرد همانندی مشخصه‌ها:

مدل ۱

شواهد تجربی به‌طور کامل از تبیین مبتنی بر رویکرد همانندی مشخصه‌ها حمایت نمی‌کند. بررسی‌های مختلف نشان داده است که در صورت همانندی مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، تفاوت‌های قومی در باروری همچنان از نظر آماری معنی‌دار است. ضعف مشاهده شده در رابطه بین شاخص‌های متعارف توسعه و باروری بسیاری از تحلیل‌گران (گلدشایدنر و اولنبرگ ۱۹۶۹، روزمیری^۱ و دیگران ۱۹۸۱، ریچی^۲ ۱۹۷۵، دی ۱۹۸۴، کیندی^۳ ۱۹۷۳، فیشر و مارکوم^۴ ۱۹۸۴، چمی^۵ ۱۹۸۱، کوللون ۱۹۹۴، نادل و دیگران ۱۹۹۹، مک‌کویلان^۶ ۲۰۰۴، بونگارت و واتکینز^۷ ۱۹۹۶، کله‌لند و ویلسون ۱۹۸۷، نادل و وان دوال ۱۹۷۹) را به این باور رساند که نمی‌توان رفتار باروری را با استفاده از رویکردهای مبتنی بر مدل‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری، که رویکرد همانندی مشخصه‌ها یکی از انواع آن است، تبیین کرد. در پاسخ به محدودیت‌های فرضیه مشخصه‌ها و ناکامی آن در تبیین تفاوت‌های باروری گروه‌های قومی، رویکرد هنجاری-فرهنگی به عنوان تبیین جایگزین آن ارایه شد.

1. Rosemary

2. Ritchy

3. Kennedy

4. Fischer & Marcum

5. Chami

6. Mcquillan

7. Bongaarts & Watkins

رویکرد هنجاری- فرهنگی

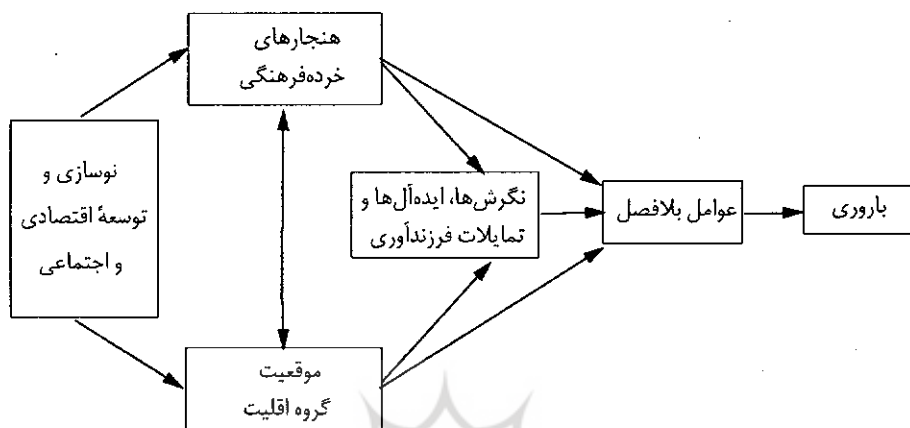
در این رویکرد بر نقش مستقل و معنی‌دار قومیت در باروری تأکید می‌شود. این فرضیه دامنه وسیعی از ابعاد هنجاری، ساختاری و همچنین اجتماعی-روان‌شناختی موقعیت یک گروه در نظام قشریندی اجتماعی را منعکس می‌کند. نقش اصلی را هنجارهای گروه و تجربیات اجتماعی-روان‌شناختی آن‌ها ایفا می‌کند. فرض بر این است که اعضای یک گروه معین، هنجارها، ایده‌آل‌ها و تجربیات اقتصادی-اجتماعی مشترکی دارند که متمایز از ویژگی‌های اعضای دیگر جامعه‌ای است که این گروه بخشی از آن به شمار می‌رود. بنابراین، سطوح باروری متفاوت گروه‌های قومی ممکن است پاسخ منطقی آن‌ها به شرایط موقعیتی آن‌ها، تبعیض‌های گروهی و عدم امنیت روانی-اجتماعی، یا تفاوت در ارزش‌ها و هنجارهای خرده‌فرهنگی باشد. رویکرد هنجاری-فرهنگی در برگیرنده دو فرضیه متفاوت موقعیت گروه اقلیت و فرضیه هنجارهای خرده‌فرهنگی می‌باشد. گلدشایدر و اولنبرگ (۱۹۷۱) به نقل از اندورکا^۱ (۱۹۷۸: ۳۲۷) بر این باورند که باروری پایین‌تر گروه اقلیت ناشی از تعامل موقعیت گروه اقلیت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌هاست. عضویت در گروه اقلیتی که دارای نظام هنجاری مشوق خانواده‌های بزرگ نیست و استفاده از روش‌های مؤثر جلوگیری از حاملگی را منع یا تشویق نمی‌کند، سبب می‌شود تا باروری گروه اقلیت به پایین‌تر از گروه اکثریت تقلیل یابد. چنان‌چه در صورت همانندی اقتصادی و اجتماعی، تفاوت‌های قومی در ایستارها و رفتارهای باروری از بین نرفت، باروری پایین‌تر گروه‌های اقلیت ممکن است ناشی از عدم امنیت مرتبط با موقعیت گروه اقلیت باشد (گلدشایدر و اولنبرگ ۱۹۶۹: ۳۶۹-۳۷۰). بین و مارکوم^۲ این جنبه از فرضیه تأثیر قومی-فرهنگی را با عنوان تفاوت اثر موقعیت گروه اقلیت^۳ متمایز می‌کنند. براساس این فرضیه، چنان‌چه هنجارها و قوانین موافق با افزایش مولید در جامعه وجود نداشته باشد، عدم امنیت روانی-اجتماعی و موقعیت حاشیه‌ای گروه‌های اقلیت سبب می‌شود تا آن دسته از اعضای گروه اقلیت که در تلاش برای تحرک اجتماعی هستند باروری‌شان را کاهش دهند، زیرا فرد باروری پایین را به عنوان ابزاری برای رسیدن به پیشرفت و ترقی اجتماعی می‌داند (گلدشایدر و اولنبرگ ۱۹۶۹، روزمیری و دیگران ۱۹۸۱، ریچی ۱۹۷۵، محمودیان ۱۳۷۹: ۱۵۷). برعکس، عدم امنیت سیاسی، در حاشیه بودن و فقدان تحرک صعودی مرتبط با موقعیت گروه اقلیت، استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی و رفتار باروری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گروه اقلیتی که شانس ضعیفی برای تحرک اجتماعی رو به بالا دارد، چنان‌چه

1. Andorka

2. Bean & Marcum

3. Minority Group Status Effect Difference

بخواهد ضمن حفظ موجودیت خود، قدرتش را افزایش دهد، کمتر احتمال دارد که از وسایل پیشگیری از حاملگی استفاده کند. بنابراین، سطح باروری اقلیت‌ها بالاتر از گروه اکثریت خواهد ماند.



شکل شماره ۲. مدل تبیین هنجاری-فرهنگی از باروری افتراقی: مدل ۲

در رویکرد هنجاری-فرهنگی از زاویه‌ای دیگر و در قالب ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگی به تبیین باروری بالای گروه‌های اقلیت در مقایسه با گروه اکثریت می‌پردازند و استدلال می‌کنند که گروه‌های قومی به خاطر ارزش‌های فرهنگی متفاوت، رفتار باروری متفاوتی را تجربه می‌کنند. در فرهنگ بعضی از گروه‌های قومی ممکن است فرزندان دارای ارزش زیادی باشند، افراد در رفتارهای باروری به شدت تقدیرگرا باشند، یا این‌که روش‌های معیشتی از کنترل مولید در میان آن‌ها ممنوع شده باشد. بنابراین، انتظار می‌رود گروه‌های قومی، حتی با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی یکسان، سطوح باروری متفاوتی را تجربه کنند. در این فرضیه که از آن با عنوان «فرضیه خرده فرهنگی» یا «تأثیرات هنجاری» (لویز و صباغ^۱ ۱۹۷۸: ۱۴۹۲) نیز یاد می‌کنند، بر تأثیرات خرده فرهنگی و «الهیات ویژه» بر باروری گروه‌های قومی تأکید می‌شود. بین و مارکوم با عنوان تفاوت سطوح موقعیت گروه اقلیت^۲ از آن سخن می‌رانند. به باور آن‌ها افراد گروه اقلیت در هر سطح از موقعیت اقتصادی-اجتماعی، به دلایلی چون تمایل و تأکید بر حفظ هویت فرهنگی خود، یکپارچگی و انسجام فرهنگی قوی در بین آن‌ها و وجود نوعی خرده فرهنگ موافق با افزایش مولید، از میزان باروری بالاتری برخوردار هستند.

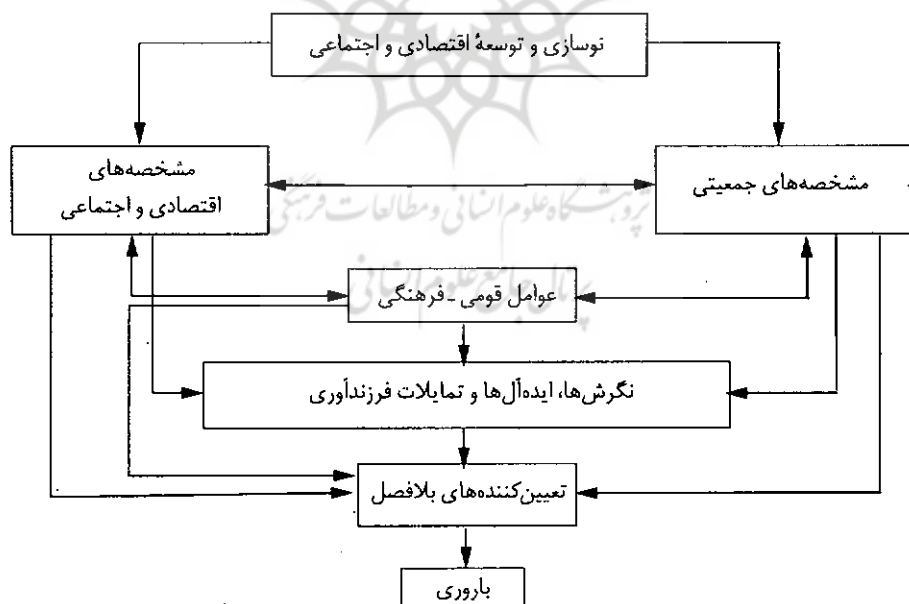
1. Sabagh

2. Minority Group Status Levels Difference

شکل شماره ۲ مکانیزم تأثیرگذاری عوامل قومی- فرهنگی بر باروری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تغییرات نوسازی و توسعه اقتصادی- اجتماعی، از طریق تأثیر بر عوامل قومی- فرهنگی، بر نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری، تعیین‌کننده‌های بلافصل و باروری تأثیر می‌گذارد. در واقع، قومیت و ویژگی‌های قومی- فرهنگی بستر تجلی تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه اقتصادی- اجتماعی بر نگرش‌ها و رفتارهای باروری است.

رویکرد ترکیبی

هریک از رویکردهای نظری ارایه شده، مدل‌های شماره ۱ و ۲، از زاویه‌ای متفاوت به تعیین‌کننده‌های باروری پرداخته‌اند. بنابراین، هر یک از آن‌ها تنها قادر به تبیین بخشی از تفاوت‌های باروری هستند. از آن‌جا که هر تئوری مبین بخشی از واقعیت است (رفیع‌پور ۱۳۶۱)، استفاده از رویکردهای نظری گوناگون و ترکیب آن‌ها با یکدیگر این امکان را فراهم می‌سازد تا ابعاد بیشتری از مسئله مورد بررسی قرار گیرد. عملکرد واقعی تولیدمثل تحت تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیطی است. تأثیر این عوامل بر باروری در بین جمعیت‌ها و زیرگروه‌های مختلف جمعیتی متفاوت و با میانجی‌گری عواملی صورت می‌گیرد که به‌طور مستقیم بر باروری تأثیر می‌گذارند (شکل ۳).



شکل شماره ۳. مدل تحلیلی تبیین تفاوت‌های قومی در باروری: مدل ۳

در رویکرد ترکیبی، رفتار باروری تحت تأثیر شبکه‌ای از عوامل است که خود مستقل از یکدیگر نیستند. در این مدل، نوسازی و توسعه اقتصادی-اجتماعی به‌طور غیرمستقیم، از طریق تأثیر بر مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی با میانجی‌گری عوامل قومی و فرهنگی، نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری و از آن طریق تعیین‌کننده‌های بلافاصل و سطح باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، تأثیر نوسازی و توسعه اقتصادی و اجتماعی و به‌طور کلی، تغییرات ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی بر باروری با میانجی‌گری زمینه‌های قومی و فرهنگی صورت می‌گیرد. در این مدل قومیت به عنوان بستری در نظر گرفته شده است که نیروهای نوسازی از مسیر آن بر باروری تأثیر می‌گذارند. فرض اصلی نویسندگان مقاله این است که ترکیبی از عوامل زمینه‌ای و تعیین‌کننده‌های بلافاصل نسبت بیشتری از واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کند، به طوری که انتظار می‌رود با کنترل همه این ویژگی‌ها و عوامل از شدت رابطه قومیت و باروری کاسته شود و تأثیر تعیین‌کننده قومیت بر باروری غیر معنی‌دار شود.

روش‌شناسی

روش تحقیق در این مقاله پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه خانوارهای معمولی ساکن در مناطق شهری و روستایی شهرستان ارومیه و زنان ۱۵-۴۹ ساله حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌ای است که در داخل خانوارها شناسایی و مورد مصاحبه قرار می‌گیرند.

واحد نمونه‌گیری خانوار است. برای تعیین حجم نمونه، پس از پردازش و پالایش داده‌های نتایج اولیه سرشماری ۱۳۸۵ شهرستان ارومیه، بر مبنای تعداد کل خانوارهای ساکن در نقاط روستایی با بیش از ۳۰ خانوار و با ترکیب قومی تُرک، حجم نمونه‌ای بالغ بر ۳۷۶ خانوار تعیین شد که در نهایت و با توجه به مشکل ریزش نمونه به ۳۸۴ خانوار افزایش یافت. با توجه به این‌که بررسی حاضر از نوع تطبیقی است تصمیم گرفته شد تا نمونه‌ای با حجم برابر از هر گروه قومی در مناطق شهری و روستایی انتخاب شود. بنابراین، تعداد نمونه‌گرد نیز ۳۸۴ خانوار و برابر با نمونه‌تُرک در نظر گرفته شد. بر این اساس، حجم کل نمونه برابر با ۷۶۸ خانوار تعیین شد که در نهایت، پرسشنامه‌های مربوط به ۷۳۹ خانوار مورد تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری، ترکیبی از روش‌های خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تصادفی و تصادفی سیستماتیک است. تکنیک گردآوری داده‌ها، پرسشنامه ساخت یافته است. جدول شماره ۱ متغیرها و شاخص‌های تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. متغیرها و شاخص‌های تحلیل به تفکیک متغیرهای مستقل و وابسته

معرف	نوع متغیر
	متغیرهای مستقل شامل:
وضع سواد و سطح تحصیلات زوجین، وضع اشتغال و منزلت شغلی زوجین، خاستگاه شهری و روستایی، محل سکونت فعلی، متوسط درآمد ماهیانه خانوار، مرگ و میر فرزندان زنده به دنیا آمده، جنس فرزندان در حال حاضر زنده، و سن مادر هنگام تولد اولین فرزند.	(۱) مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی
ساخت خانواده و نظام خویشاوندی، ازدواج‌های بین قومی، استقلال زنان در ابعاد مختلف آن، تقدیرگرایی در رفتار باروری، ترجیح جنسی، احساس بی‌عدالتی قومی، احساس امکان تحزک اجتماعی.	(۲) عوامل قومی-فرهنگی
نگرش نسبت به تعداد ایده‌آل فرزندان، فرزندآوری، ارزش‌ها و منافع فرزندان، ارزش‌های خانواده بزرگ، ازدواج‌های خویشاوندی، حداقل و حداکثر سن مناسب ازدواج برای دختر و پسر، اولویت ازدواج بر ادامه تحصیل دختران، اشتغال زنان در فعالیت‌های خارج از منزل، فاصله‌گذاری بین مولید.	(۳) نگرش‌ها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری
استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی، سن هنگام ازدواج، شیردهی، فاصله میان ازدواج و اولین حاملگی.	(۴) عوامل بلافصل
شمار کل فرزندان زنده به دنیا آمده	متغیر وابسته: باروری

داده‌ها در محیط SPSS پردازش شده است. توصیف و تحلیل داده‌ها در دو مرحله صورت گرفته است. ابتدا، ضمن بررسی باروری گروه‌های قومی تفاوت‌های قومی در عوامل زمینه‌ای و تعیین‌کننده‌های بلافصل را بررسی کرده‌ایم، سپس با استفاده از تکنیک تحلیل طبقات چندگانه، ضمن آزمون کارایی نسبی فرضیه‌های رقیب، به بررسی و آزمون مدل تحلیلی تحقیق پرداخته‌ایم.

یافته‌ها

باروری افتراقی تراکمی: تجربه زنده‌زایی و سطح باروری

در مطالعات پیشین باروری افتراقی تأکید زیادی بر بررسی باروری کوهورت و سنجه‌هایی که مطالعه کوهورت‌های واقعی را تسهیل کند، صورت گرفته است. شمار فرزندان زنده به دنیا آمده مجموعه‌ای ضروری از داده‌ها برای چنین مطالعاتی بود. در واقع، استفاده از سنجه‌های

باروری تراکمی توسط تحلیل گران باروری افتراقی، مبتنی بر این استدلال بود که بسیاری از نیروهائی که باروری را تحت تأثیر قرار می دهند، تأثیرشان بر باروری به تدریج و به طور پیوسته در طول دوره های طولانی از زمان ظاهر می شود (چو^۱ و دیگران ۱۹۷۰: ۱۵). جدول شماره ۲ تجربه زنده زایی زنان گروه های قومی را نشان می دهد.

جدول شماره ۲. میانگین، میانه، انحراف معیار و توزیع نسبی زنان بر حسب سطح باروری

حجم نمونه	سطح باروری (فرزند)			حجم نمونه	شمار فرزندان زنده به دنیا آمده			گروه قومی
	پایین (۲-۱)	متوسط (۳-۲)	بالا (+۵)		میانگین	انحراف معیار	میانه	
۳۴۸	۳۷/۱	۳۷/۴	۲۵/۶	۳۵۸	۳	۱/۸۵	۲/۲۸	کرد
۳۶۳	۶۷/۵	۲۷/۰	۵/۵	۳۸۱	۲	۱/۳۲	۲/۲۱	ترک
۷۱۱	۵۲/۶	۳۲/۱	۱۵/۳	۷۳۹	۲	۱/۶۸	۲/۷۳	کل نمونه

$F = ۸۲/۵۳۱$	$Sig = .۰۰۰$
$Eta = .۰۳۱۹$	$Eta Square = .۰۱۰۲$
$X^2 = ۸۲/۸۷۰$	$d.f = ۲$
$Cramers V = .۰۳۴۳$	$Sig = .۰۰۰$

همان طور که ملاحظه می شود، باروری کردها و ترکها به ترتیب بیشتر و کمتر از باروری کل نمونه است. علاوه بر این، مقدار میانه بیانگر آن است که ۵۰ درصد کردها و ترکها تا زمان بررسی به ترتیب ۳ و ۲ بچه به دنیا آورده اند. نتیجه آزمون تحلیل واریانس گویای آن است که تجربه باروری گروه های قومی متفاوت از هم است و تفاوت های مشاهده شده از نظر آماری معنی دار است. مجذور ضریب همبستگی (اتا) نشان می دهد که قومیت ۱۰/۲ درصد واریانس باروری را تبیین می کند. اطلاعات جدول شماره ۲ همچنین نشان می دهد که زنان گروه های قومی سطوح باروری متفاوتی، بر حسب شمار فرزندان زنده به دنیا آمده، تجربه کرده اند. ۶۷/۵ درصد زنان ترک دارای سطح پایینی از باروری هستند، در حالی که نسبت درصد زنانی که ۵ فرزند و بیشتر به دنیا آورده اند در میان کردها ۴/۶ برابر ترکهاست.

زنده‌زایی نکاحی ویژه‌گروه سنی

شمار فرزندان زنده به دنیا آمده یکی از سنجه‌های کوهورت باروری است که به شدت تحت تأثیر عامل مداخله‌گر سن قرار دارد. این سنجه ارتباط نزدیکی با مراحل تولیدمثل یک زن دارد. به‌طور کلی، انتظار بر این است که با افزایش سن مادر و طول دوره ازدواج، نسبت‌های زنده‌زایی افزایش یابد. با توجه به تأثیرپذیری شدید این شاخص از سن مادران، توزیع زنده‌زایی زنان در گروه‌های سنی تولیدمثل، تصویر روشن‌تری از الگوهای سنی زنده‌زایی نکاحی و تفاوت‌های قومی در الگوی سنی باروری به دست می‌دهد. «توجه به الگوی سنی باروری نتایج ارزشمندی را برای تعیین اولویت‌های برنامه تنظیم خانواده بر مبنای نیازهای افراد در گروه‌های سنی مختلف فراهم می‌سازد» (عباسی شوازی و دیگران ۱۳۸۳: ۳۲).

جدول شماره ۳ نسبت‌های زنده‌زایی نکاحی ویژه‌گروه‌های سنی را برحسب قومیت نشان می‌دهد. نسبت‌های زنده‌زایی نکاحی در کل نمونه ارقام متفاوتی را برای زنان گروه‌های قومی نشان می‌دهد. هرچه از گروه‌های سنی پایین‌تر به گروه‌های سنی بالاتر می‌رویم، نسبت‌های زنده‌زایی در هر دو گروه قومی از ارقامی کمتر از ۱ در گروه سنی ۱۵-۱۹ سال، به ارقامی بیشتر از ۱ در گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ سال و بعد از آن افزایش می‌یابد. با تمام این‌ها، نسبت زنده‌زایی مادران کُرد در تمام گروه‌های سنی، به‌ویژه گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ سال و بالاتر، تفاوت قابل ملاحظه‌ای با گروه‌های سنی متناظر در میان مادران تُرک دارد. این وضعیت بیانگر آن است که زنان کُرد متعلق به نسل‌های مختلف، سطوح باروری بالاتری در مقایسه با هم‌تایان تُرک تجربه کرده‌اند و با وجود کاهش سطح باروری همچنان باروری بالاتری در مقایسه با تُرک‌ها دارند.

جدول شماره ۳. متوسط زنده‌زایی نکاحی ویژه‌گروه سنی برحسب قومیت

قومیت	متوسط زنده‌زایی نکاحی در گروه سنی						
	۱۹-۱۵	۲۴-۲۰	۲۹-۲۵	۳۴-۳۰	۳۹-۳۵	۴۴-۴۰	۴۹-۴۵
کُرد	۰/۷۵	۱/۳۳	۲/۰۲	۲/۸۴	۴/۰۸	۴/۷۰	۴/۸۵
تُرک	۰/۶۰	۰/۹۰	۱/۳۷	۱/۹۰	۲/۶۶	۲/۷۵	۴/۰
کل نمونه	۰/۶۴	۱/۱	۱/۷۰	۲/۴۳	۳/۳۲	۳/۶۵	۴/۴۰
آزمون آماری F	۰/۲۴۵	۹/۸۳۱	۲۰/۷۶۸	۲۹/۲۴۵	۴۲/۹۰۳	۶۲/۴۱۲	۵/۶۴۱
سطح معنی‌داری	۰/۶۳۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

تفاوت‌های مشاهده شده در باروری زنان گروه‌های قومی، در همه گروه‌های سنی به‌جز گروه سنی اول، در سطح بسیار بالایی معنی‌دار است. نکته دیگر این‌که هرچه از گروه‌های سنی پایین‌تر به سنین پایانی تولیدمثل نزدیک می‌شویم، تفاوت‌های قومی در باروری، به استثنای گروه سنی آخر، افزایش می‌یابد. این وضعیت بیانگر آن است که اولاً، زنان هر دو گروه قومی در گذشته تجربه باروری بالایی را داشته‌اند، ثانیاً، در طول زمان شکاف‌های قومی در تجربه زنده‌زایی محدودتر شده است.

جدول شماره ۴، توزیع نسبی زنان نمونه را برحسب متوسط زنده‌زایی نکاحی ویژه گروه‌های گسترده سنی و قومیت نشان می‌دهد. میانگین سن ازدواج زنان ۳۵ ساله و بالاتر به‌طور متوسط ۱۹/۹ سال است. بنابراین، باروری این گروه از زنان نشان‌دهنده الگو و سطح باروری در ۱۵ تا ۳۰ سال گذشته است. این گروه از زنان باروری خود را تا زمان بررسی کامل کرده‌اند و احتمال افزایش باروری آن‌ها بسیار کم است. براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴، حدود ۷۲ درصد زنان ۳۵ ساله و بالاتر کُرد دارای چهار فرزند و بیشتر هستند، حالی‌که در میان تُرک‌ها بیشترین نسبت این زنان دارای دو فرزند هستند. در واقع، نسبت زنان ۳۵ ساله و بالاتر دارای چهار فرزند و بیشتر در میان کُردها $\frac{2}{8}$ برابر زنان تُرک می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت کُردها طی ۱۵ تا ۳۰ سال گذشته، سطوح باروری بالاتری را، در مقایسه با تُرک‌ها، تجربه کرده‌اند. اگرچه باروری زنان ۲۵ - ۳۴ ساله تا اندازه زیادی به باروری ایده‌آل آن‌ها نزدیک شده است، اما احتمال افزایش باروری برای این گروه بیشتر از گروه سنی ۳۵ ساله و بالاتر است. با توجه به این‌که زنان این گروه سنی به‌طور متوسط در سن ۱۹/۵ سالگی ازدواج کرده‌اند، می‌توان گفت تجربه زنده‌زایی آن‌ها بیانگر تجربه باروری زنان گروه‌های قومی از حدود ۵ تا ۱۵ سال قبل از بررسی است. مقایسه تجربه زنده‌زایی زنان کُرد و تُرک واقع در این گروه سنی نیز بیانگر آن است که ۴۸ درصد این زنان در میان کُردها دارای سه فرزند و بیشتر هستند، در حالی‌که در میان تُرک‌های واقع در این گروه سنی $\frac{89}{3}$ درصد زنان یک تا دو فرزند زنده به دنیا آمده دارند.

داده‌های مندرج در جدول ۴ همچنین نشان می‌دهد که اگرچه در هر دو گروه قومی نسبت قابل توجهی از زنان ۱۵ - ۲۴ ساله تا زمان بررسی یا فرزندی ندارند و یا تنها دارای یک فرزند هستند، اما این نسبت در میان زنان تُرک به مراتب بیشتر (۹۶ درصد) از زنان کُرد ($\frac{64}{7}$ درصد) است.

جدول شماره ۴. توزیع نسبی زنان ۱۵-۴۹ ساله ازدواج کرده برحسب شمار فرزندان زنده به دنیا آمده، تعلق قومی، محل سکونت و گروه‌های گسترده سنی

حجم نمونه	میانگین	شمار فرزندان زنده به دنیا آمده					گروه سنی	
		+۴	۳	۲	۱	۰		
۳۴	۱/۲۶	۰	۲/۹	۳۲/۴	۵۲/۹	۱۱/۸	۲۴-۱۵	
۱۵۸	۲/۴۴	۱۶/۴	۳۱/۶	۲۷/۲	۲۲/۲	۲/۵	۲۴-۲۵	کرد
۱۶۶	۴/۴۹	۷۲/۴	۱۳/۳	۱۲/۰	۱/۲	۱/۲	+۳۵	
قومیت								
۵۰	۰/۸۴	۰	۰	۴	۷۶	۲۰	۲۴-۱۵	
۱۴۱	۱/۶۱	۱/۴	۳/۵	۵۵/۳	۳۴	۵/۷	۲۴-۲۵	ترک
۱۹۰	۲/۰۱	۲۵/۸	۳۲/۶	۳۷/۴	۴/۲	۰	+۳۵	

تحلیل کوهورت باروری تراکمی

تغییرات باروری را می‌توان با رویکرد کوهورت و مقطعی مورد بررسی قرار داد. برخلاف تحلیل‌های مقطعی باروری، که مبتنی بر تجارب یک بخش از جمعیت در دوره‌ای خاص است، تحلیل کوهورت باروری به منظور پیگیری وضعیت باروری گروهی از زنان در طی دوران باروری صورت می‌گیرد. در رویکرد مقطعی، تغییرات باروری نتیجه تغییراتی است که تمام گروه‌های سنی و کوهورت‌ها را به‌طور هم‌زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی‌که رویکرد کوهورت، تغییرات باروری را نتیجه تغییراتی می‌داند که تنها افراد یک کوهورت مولید یا ازدواج مشخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد (عباسی شوازی و دیگران ۲۰۰۳: ۵-۶). با توجه به این‌که متوسط زنده‌زایی نکاحی تجربه باروری تراکمی زنان را نشان می‌دهد، بررسی تطبیقی باروری با اتخاذ رویکرد کوهورت، تصویر روشن‌تری از تغییرات باروری در میان گروه‌های قومی به دست می‌دهد. جدول شماره ۵ متوسط زنده‌زایی نکاحی را در هر یک از کوهورت‌های مولید و ازدواج برحسب قومیت نشان می‌دهد.

مقایسه نسبت‌های زنده‌زایی نکاحی کوهورت‌های ازدواج زنان گروه‌های قومی، بیانگر تجربه متفاوت زنان متعلق به این کوهورت‌های ازدواج است. در هر دو گروه قومی، کوهورت ازدواج ۱۳۷۰ و قبل از آن متوسط زنده‌زایی بیشتری در مقایسه با کوهورت ازدواج ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱ دارد. با این وجود، تفاوت‌های باروری کوهورت‌های ازدواج گروه‌های قومی در طول زمان محدودتر شده و با ۳۷/۵ درصد کاهش از ۱/۶ فرزند زنده به دنیا آمده در کوهورت ازدواج

۱۳۷۰ و قبل از آن، به ۰/۶ در کوهورت ازدواج ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱ رسیده است. بررسی تطبیقی نسبت‌های زنده‌زایی نکاحی کوهورت‌های موالید نیز نتایج مشابهی را به دست داد. زنان گُرد متعلق به هریک از کوهورت‌های موالید، نسبت‌های زنده‌زایی به مراتب بیشتری در مقایسه با هم‌تایان تُرک تجربه کرده‌اند، اگرچه این تفاوت‌ها در کوهورت موالید ۱۳۵۲ تا ۱۳۷۱ به حداقل رسیده است. به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که در طول زمان، شکاف باروری زنان کوهورت‌های مختلف ازدواج و موالید گُرد و تُرک محدودتر شده و به سوی همگرایی میل کرده است. با این حال، متوسط زنده‌زایی زنان گُرد در کوهورت‌های مختلف موالید و ازدواج، همچنان بالاتر از تُرک‌هاست.

جدول شماره ۵. تجربه زنده‌زایی نکاحی کوهورت‌های ازدواج و موالید برحسب قومیت

قومیت						کوهورت
تُرک			گُرد			
حجم نمونه	میانگین	میانگین	حجم نمونه	میانگین	میانگین	
۱۷۱	۳	۳/۱	۱۶۳	۵	۴/۷	کوهورت ازدواج ۱۳۷۰ و قبل از آن
۱۹۰	۲	۱/۶	۱۸۲	۳	۲/۲	۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱
۱۹۰	۳	۳	۱۶۴	۴	۴/۶	کوهورت موالید ۱۳۵۱ و قبل از آن
۱۷۳	۲	۱/۶	۱۸۴	۲	۲/۳	۱۳۷۱ تا ۱۳۵۲

موضوع دیگری که از اطلاعات جدول شماره ۵ استنباط می‌شود این است که تغییرات باروری گُردها در گذر زمان به مراتب شدیدتر از تُرک‌ها بوده است. برای مثال، متوسط زنده‌زایی نکاحی زنان گُرد متعلق به کوهورت ازدواج ۱۳۷۰ و قبل از آن با ۵۳/۲ درصد کاهش از ۴/۷ به ۲/۲، در کوهورت ازدواج ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱، تقلیل یافته است. کاهش متناظر در میان تُرک‌ها تنها ۴۸/۴ درصد است. دلیل این روند را شاید بتوان در باروری بالای زنان گُرد در کوهورت‌های مختلف ازدواج و موالید جست‌وجو کرد. علاوه بر این، تحلیل واریانس باروری زنان گُرد و تُرک متعلق به کوهورت‌های ازدواج و موالید، گویای آن است که علی‌رغم کاهش تفاوت‌های قومی باروری در طول زمان، تفاوت‌های مشاهده شده در باروری زنان گُرد و تُرک همچنان معنی‌دار است.

رویکرد همانندی مشخصه‌ها و باروری افتراقی: مدل ۱

تحلیل تفاوت‌های قومی در مشخصه‌های جمعیتی نشان داد که گروه‌های قومی، به‌جز در زمینه تجربه مرگ و میر فرزندان زنده به دنیا آمده، از نظر سایر مشخصه‌های جمعیتی مورد بررسی متفاوت از هم هستند و تفاوت‌ها از نظر آماری کاملاً معنی‌دار است. علاوه بر این، از نظر مشخصه‌هایی چون وضع سواد و سطح تحصیلات والدین، خاستگاه شهری و روستایی زوجین، وضع اشتغال و نوع شغل آن‌ها، تفاوت‌های آماری معنی‌داری بین زنان کُرد و تُرک وجود دارد. تحلیل بین‌قومی همبستگی باروری با عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی نشان می‌دهد که در هر دو گروه قومی مرگ و میر فرزندان زنده به دنیا آمده، وضعیت زنده ماندن فرزند اول، سن زن هنگام تولد فرزند اول و وضع سواد و سطح تحصیلات زوجین، از همبستگی منفی معنی‌داری با باروری برخوردار است. مقایسه ضرایب همبستگی نشان داد که به استثنای متغیر وضع سواد و سطح تحصیلات زوجین، در سایر موارد شدت همبستگی عوامل اقتصادی-اجتماعی با باروری در میان کُردها بیشتر از تُرک‌هاست.

به منظور آزمون کارایی نسبی رویکرد همانندی مشخصه‌ها (مدل شماره ۱) در تبیین تفاوت‌های قومی در باروری، تلاش کردیم تا طی چند مرحله، ضمن بررسی تأثیر ورود هریک از مشخصه‌ها و تعیین‌کننده‌های باروری بر رابطه قومیت و باروری، به بررسی تأثیر تراکمی و هم‌زمان عوامل زمینه‌ای و بلافاصل بر باروری بپردازیم. قبل از این‌که هیچ‌گونه تبدیلی بر مبنای متغیرهای مورد بررسی صورت گیرد (مدل تعدیل نشده)، تفاوت باروری زنان کُرد و تُرک بیشتر از یک فرزند و از نظر آماری معنی‌دار است. علاوه بر این، نسبت همبستگی بین قومیت و باروری نیز بالاست. مدل شماره ۱ میانگین پیش‌بینی شده یا مورد انتظار متغیر وابسته را برای هریک از گروه‌های قومی، که با استفاده از معادلات تحلیل طبقات چندگانه و با تبدیلی که بر مبنای تعیین‌کننده‌های بلافاصل باروری صورت گرفته است، نشان می‌دهد (جدول شماره ۶). حضور این متغیرها در معادله، علاوه بر افزایش مقدار واریانس تبیین شده، به کاهش نسبت همبستگی بین قومیت و باروری و نیز تفاوت‌های قومی در باروری منجر شد، به طوری که شدت رابطه قومیت و باروری حدود ۱۲ درصد و تفاوت باروری گروه‌های قومی ۱۳ درصد نسبت به مدل تعدیل نشده تقلیل یافت. در مدل شماره ۲ متغیر شمار فرزندان ایده‌آل در زمان ازدواج به مجموعه متغیرهای مدل شماره ۱ اضافه شده است. ورود این متغیر به معادله به‌طور محسوسی باعث کاهش نسبت همبستگی بین قومیت و باروری، کاهش تفاوت‌های قومی در باروری و افزایش مقدار واریانس تبیین‌شده باروری شده است. اگرچه با ورود این متغیر به معادله، تفاوت باروری زنان کُرد و تُرک حدود ۴۴ درصد

کاهش یافت، اما تفاوت‌های موجود همچنان از نظر آماری معنی دار است.

جدول شماره ۶. تحلیل تفاوت‌های قومی در باروری با کنترل گام به گام و هم‌زمان عوامل بلافصل، ایده‌آل‌های باروری و مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی

متوسط زنده‌زایی				قومیت
مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	
۲/۸۹	۲/۰۹	۳/۲۶	۲/۲۸	کُرد
۲/۶۶	۲/۴۹	۲/۳۳	۲/۲۱	تُرك
۴/۶۰	۳/۰۴	۷۰/۴۵	۸۳/۵۳	آزمون آماری
۰/۰۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۴۸/۲	۳۵/۴	۲۳/۴	۱۰/۲	R ^۲
۰/۰۷۲	۰/۱۸۰	۰/۲۸۱	۰/۳۱۹	Eta/Beta
۰/۲۳	۰/۶	۰/۹۳	۱/۰۷	تفاوت باروری

در تحلیل نهایی (مدل شماره ۳) وقتی مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی به مجموعه متغیرهای مدل شماره ۲ اضافه شد، از شدت رابطه قومیت و باروری باز هم کاسته شد، به طوری که رابطه با ۷۷/۴ درصد کاهش از ۰/۳۱۹ در مدل تعدیل نشده به ۰/۰۷۲، با کنترل هم‌زمان تمام متغیرها، تقلیل پیدا کرد. به موازات کاهش نسبت همبستگی بین قومیت و باروری، تفاوت باروری گروه‌های قومی نیز کمتر شد. با تمام این‌ها، حضور قومیت در معادله همراه با متغیرهای درگیر در مدل شماره ۱ همچنان از نظر آماری معنی دار است و قومیت همراه با این متغیرها تنها ۴۸/۲ درصد واریانس باروری را تبیین می‌کند. کنترل تأثیر هر یک از تعیین‌کننده‌های بلافصل باعث کاهش تدریجی تفاوت‌های قومی در باروری شد. با ورود متغیر تحصیلات زنان به عنوان اولین مشخصه اجتماعی در معادله، منحنی تفاوت باروری با شیب تندی از ۰/۶۳ در مرحله پنجم به ۰/۲۲ در مرحله ششم سقوط کرد. این وضعیت بیانگر آن است که در میان متغیرهای موجود در معادله، وضع سواد و سطح تحصیلات زنان بیشترین تأثیر را در کاهش تفاوت‌های قومی در باروری دارد.

موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که پس از ورود مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی به معادله، مدل شماره ۳، برخی از تعیین‌کننده‌های بلافصل از جمله استفاده از روش‌های پیشگیری قبل از اولین حاملگی و فاصله‌گذاری بین ازدواج و اولین

حاملگی، هرچند حضور معنی‌داری در کنار سایر متغیرها در معادله دارند، اما از میزان تأثیر آن‌ها بر باروری کاسته شده است. این نتیجه‌گویای این واقعیت است که مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی از طریق تعیین‌کننده‌های بلافصل باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

تبیین هنجاری-فرهنگی از باروری افتراقی: مدل شماره ۲

نتایج تحلیل تفاوت‌ها و همبستگی عوامل قومی-فرهنگی با باروری نشان داد که اولاً، تفاوت‌های آماری معنی‌داری از نظر عوامل قومی-فرهنگی مرتبط با باروری در میان گروه‌های قومی وجود دارد، ثانیاً برخی از عوامل قومی-فرهنگی دارای همبستگی بالا و معنی‌داری با باروری و نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری هستند. در هر دو گروه قومی شاخص‌های تقدیرگرایی در رفتار باروری، ترجیح جنسی و استقلال تصمیم‌گیری در زمینه رفتارهای جمعیتی از همبستگی معنی‌داری با باروری برخوردارند. علاوه بر این، برخلاف ترک‌ها، در میان کردها شاخص احساس بی‌عدالتی قومی همبستگی مثبت و معنی‌داری با باروری دارد. شاخص استقلال تصمیم‌گیری در زمینه رفتارهای جمعیتی در هر دو گروه قومی دارای همبستگی منفی و جهت بقیه شاخص‌ها مثبت است. مقایسه ضرایب همبستگی عوامل قومی-فرهنگی با باروری نشان داد که به استثنای شاخص استقلال تصمیم‌گیری در زمینه رفتارهای جمعیتی، در سایر موارد شدت همبستگی در میان کردها بیشتر از ترک‌هاست.

جدول شماره ۷ روند تغییرات باروری گروه‌های قومی و نیز نسبت همبستگی بین قومیت و باروری را با در نظر گرفتن تأثیر انباشتی هنجارهای خُرده‌فرهنگی و عوامل مرتبط با موقعیت گروه اقلیت، ایده‌آل‌های باروری و تعیین‌کننده‌های بلافصل نشان می‌دهد. مدل تعدیل نشده، میانگین مشاهده شده متغیر وابسته را برای هر یک از گروه‌های قومی قبل از کنترل نشان می‌دهد. مدل‌های شماره ۱ تا ۳، میانگین‌های پیش‌بینی شده متغیر وابسته را برای هر یک از گروه‌های قومی نشان می‌دهد که با استفاده از معادله‌های تحلیل طبقات چندگانه، و با تعدیلی که بر مبنای سایر متغیرهای موجود در هر معادله صورت پذیرفته، برآورد شده است. تفاوت میان سه مجموعه از میانگین‌های تعدیل شده در مدل‌های شماره ۱، ۲ و ۳ این است که در مدل شماره ۱ تعدیل و برآورد میانگین تنها براساس عوامل بلافصل باروری انجام شده است. در مدل شماره ۲ متغیر شمار ایده‌آل فرزندان در زمان تحقیق و نگرش نسبت به ارزش‌های خانواده بزرگ، به مجموعه متغیرهای مدل ۱ و بالأخره در مدل شماره ۳، هنجارهای خُرده‌فرهنگی مثل تقدیرگرایی در رفتار باروری و عوامل مرتبط با موقعیت گروه اقلیت، یعنی احساس بی‌عدالتی قومی، به مجموعه متغیرهای مدل شماره ۲ اضافه شده است.

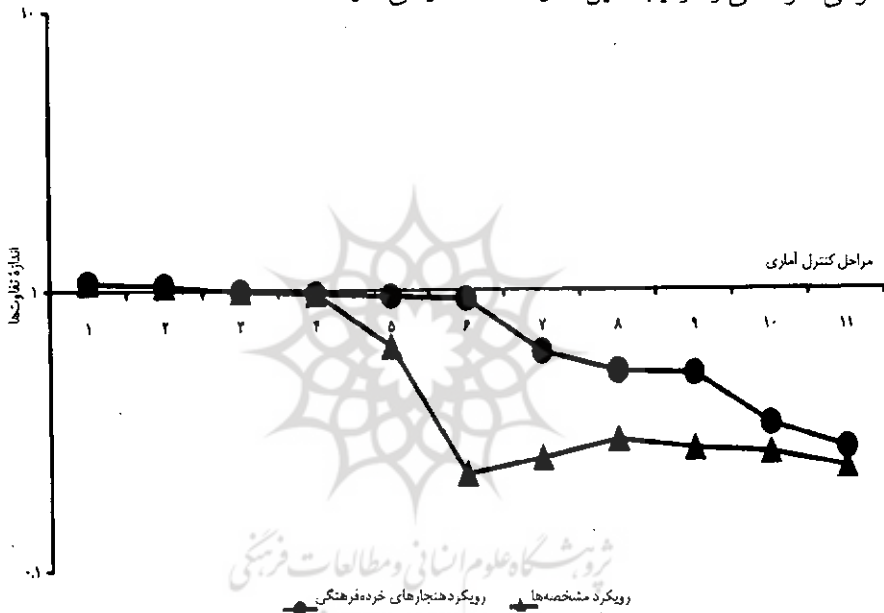
جدول شماره ۷. تحلیل تفاوت‌های قومی در باروری با کنترل گام به گام و هم‌زمان عوامل بلافصل، ایده‌آل‌های باروری و عوامل قومی - فرهنگی

متوسط زنده‌زایی				قومیت
مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	تعدیل نشده	
۳/۰۹	۳/۰۹	۲/۲۶	۳/۲۸	کرد
۲/۵۲	۲/۵۱	۲/۳۳	۲/۲۱	تُری
۳۴/۵۵	۲۹/۸۹	۷۰/۴۵	۸۳/۵۳	آزمون آماری
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری
۵۱/۲	۳۸/۳	۲۳/۴	۱۰/۲	R ^۲
۰/۱۷۰	۰/۱۷۴	۰/۲۸۱	۰/۳۱۹	Eta/Beta
۰/۵۳	۰/۶	۰/۹۳	۱/۰۷	تفاوت باروری

اطلاعات جدول شماره ۷ (مدل تعدیل نشده) از تفاوت‌های قومی در باروری حکایت دارد. این تفاوت کمی بیش از یک فرزند و از نظر آماری کاملاً معنی‌دار است. تعدیل چند متغیره براساس عوامل بلافصل (مدل شماره ۱) باعث کاهش تفاوت‌های قومی در باروری به اندازه ۱۳/۱ درصد شد. این عوامل همراه با قومیت و بدون ارتباط با سایر عوامل و تعیین‌کننده‌های باروری، ۲۳/۴ درصد واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کنند. حضور این عوامل در معادله باعث کاهش نسبت همبستگی بین قومیت و باروری به میزان ۱۱/۹ درصد شد. با این حال، آماره F و سطح معنی‌داری آن نشان می‌دهد که قومیت همچنان تأثیر تعیین‌کننده و معنی‌داری بر باروری زنان دارد. در مرحله بعد (مدل شماره ۲) متغیر ایده‌آل‌های باروری در زمان ازدواج به مجموعه متغیرهای مدل شماره ۱ اضافه شد. ورود این متغیر باعث استمرار کاهش نسبت همبستگی بین قومیت و باروری و نیز کاهش تفاوت‌های قومی در باروری به میزان ۴۳/۶ درصد و افزایش واریانس تبیین‌شده باروری از ۲۳/۴ درصد در مدل شماره ۱ به ۳۵/۳ درصد در مدل شماره ۲ شد. در نهایت، وقتی عوامل قومی - فرهنگی به مجموعه متغیرهای مدل شماره ۲ اضافه شد (مدل شماره ۳) باز هم از نسبت همبستگی بین قومیت و باروری به میزان ۴۶/۴ درصد کاسته شد و تفاوت‌های قومی باروری نیز ۴۶/۷ درصد، نسبت به مرحله قبل از کنترل، تقلیل یافت.

نتایج به دست آمده گویای آن است که متغیرهای مرتبط با رویکرد هنجارهای خرده‌فرهنگی در مجموع ۵۰/۱ درصد واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کنند. مقدار واریانس

تبیین‌شده در مدل شماره ۳ نشان می‌دهد که رویکرد هنجارهای خرده‌فرهنگی، در مقایسه با رویکرد مشخصه‌ها، تبیین قوی‌تری از واریانس باروری گروه‌های قومی به‌دست می‌دهد. در مقابل، رویکرد همانندی مشخصه‌ها کاهش بیشتری (۷۸/۵ درصد) در تفاوت باروری گروه‌های قومی، در مقایسه با رویکرد هنجارهای خرده‌فرهنگی (۴۶/۷ درصد)، نشان می‌دهد. مقایسه روند تفاوت‌های قومی به‌وجود آمده در باروری گروه‌های قومی، در چارچوب هریک از رویکردهای مورد بررسی (شکل شماره ۴)، نقش و تأثیر متفاوت هریک از مشخصه‌ها و عوامل قومی-فرهنگی را در ایجاد این تفاوت‌ها آشکار می‌سازد.



شکل شماره ۴. مقایسه روند تغییرات تفاوت‌های قومی در باروری با استفاده از رویکرد مشخصه‌ها و هنجارهای خرده‌فرهنگی

هر دو رویکرد در زمینه متغیرهایی چون ایده‌آل‌ها و تعیین‌کننده‌های بلافصل باروری مثل هم هستند. تفاوت موجود در آن‌ها به متغیرها و شاخص‌هایی بر می‌گردد که به عنوان مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی یا عوامل قومی-فرهنگی از هم تفکیک شده‌اند. ترکیب عوامل بلافصل و ایده‌آل‌های باروری با هریک از عوامل قومی-فرهنگی و مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی، تأثیرات متفاوتی بر روندهای کاهش تفاوت باروری گروه‌های قومی گذاشته است. برای مثال، هریک از عوامل قومی-فرهنگی در ترکیب با ایده‌آل‌ها و عوامل بلافصل باعث کاهش تدریجی اما مستمر تفاوت باروری زنان‌گرد و تُرک شد، حال آن‌که ترکیب

مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی، به نوساناتی در روند تفاوت‌های قومی در باروری منجر شد. برای مثال، با ورود متغیر تحصیلات زنان به معادله، منحنی تفاوت‌ها با شیب تندی از مرحله پنجم به مرحله ششم تقلیل یافت. پس از آن، ورود سایر مشخصه‌ها به افزایش نامحسوس و سپس کاهش در تفاوت‌های باروری منجر شد.

رویکرد ترکیبی به باروری افتراقی: مدل شماره ۳

با عنایت به رویکرد نظری اتخاذ شده در این بررسی و با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده تاکنون، به نظر می‌رسد ترکیبی از مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی، عوامل قومی-فرهنگی، ایده‌آل‌ها و نگرش‌های باروری و بالأخره عوامل بلافصل (مدل شماره ۳)، تبیین بهتری از واریانس باروری گروه‌های قومی به دست می‌دهد. بنابراین، انتظار داریم با بررسی تأثیر هم‌زمان مجموع عوامل و متغیرهای مورد بررسی، تفاوت‌های قومی در باروری به طور محسوس کاهش یابد و قومیت در کنار سایر متغیرها، حضور معنی‌داری در معادله نداشته باشد. جدول شماره ۸ نتایج تحلیل تفاوت‌های قومی در باروری را با در نظر گرفتن مجموع عوامل بلافصل، ایده‌آل‌های باروری، عوامل قومی-فرهنگی و مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸. تحلیل تفاوت‌های قومی در باروری: رویکرد ترکیبی

Eta	Beta										متغیر
	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۰/۳۱۹	۰/۰۵۴	۰/۰۶۵	۰/۰۷۰	۰/۰۶۰	۰/۰۶۲	۰/۰۶۷	۰/۰۷۲	۰/۰۸۲	۰/۰۰۴	۰/۳۱۹	قومیت
۰/۲۸۶	۰/۰۹۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	۰/۰۲۲	۰/۰۲۴	۰/۰۸۲	۰/۰۸۶	۰/۲۸۶	سن هنگام ازدواج
۰/۲۳۷	۰/۰۲۷	۰/۰۲۲	۰/۰۲۲	۰/۰۲۴	۰/۰۲۲	۰/۰۶۰	۰/۰۹۰	۰/۰۰۲		۰/۲۳۷	شیردهی
۰/۱۴۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۲۵	۰/۰۲۱	۰/۰۲۵	۰/۰۲۵			۰/۱۴۶	فاصله بین ازدواج و اولین حاملگی
۰/۲۶۷	۰/۰۳۹	۰/۰۳۸	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶	۰/۰۳۹	۰/۰۷۰				۰/۲۶۷	شمار فرزندان ایده‌آل در زمان ازدواج
۰/۰۰۴	۰/۰۲۵	۰/۰۰۷	۰/۰۲۲	۰/۰۳۶	۰/۰۳۰					۰/۰۰۴	تقدیرگرایی در رفتار باروری
۰/۰۳۲	۰/۰۹۹	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲						۰/۰۳۲	احساس بی‌عدالتی قومی
۰/۰۲۴	۰/۰۱۸۸	۰/۰۷۱	۰/۰۲۹							۰/۰۲۴	وضع سواد و سطح تحصیلات زن
۰/۰۱۸	۰/۰۵۷	۰/۰۳۵								۰/۰۱۸	وضع سواد و سطح تحصیلات مرد
۰/۰۲۴	۰/۰۱۸									۰/۰۲۴	محل سکونت
۵۵/۸	۵۳/۶	۵۲	۳۹/۵	۳۸/۱	۳۶/۶	۳۴/۲	۳۳/۷	۱۸/۶	۱۰/۲		واریانس تبیین شده
۲/۲۵	۲/۵۹	۵/۳۶	۲۰/۸۳	۲۲/۲۱	۲۷/۹۱	۶۸/۱۱	۷۳/۸۲	۸۱/۶۲	۸۲/۵۲		آزمون آماری
۰/۰۷۲	۰/۰۲۲	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		سطح معنی‌داری
۰/۱۸	۰/۰۲۲	۰/۰۲۴	۰/۰۵۲	۰/۰۵۵	۰/۰۵۶	۰/۰۹۱	۰/۰۹۵	۱/۰۰۲	۱/۰۰۷		تفاوت باروری در هر مرحله

مقادیر بتا در ردیف اول، نسبت همبستگی قومیت با باروری را با حضور هریک از متغیرها و شاخص‌های تحلیل طی ۱۰ مرحله نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ورود تعیین‌کننده‌های بلافضل به معادله (مراحل دوم، سوم و چهارم) باعث کاهش نسبت همبستگی قومیت و باروری به میزان ۱۴/۷ درصد و افزایش واریانس تبیین شده از ۱۰/۲ درصد به ۲۴/۲ درصد شده است. علاوه بر این، حضور تعیین‌کننده‌های بلافضل در معادله تفاوت باروری گروه‌های قومی را، با حدود ۱۵ درصد کاهش از ۱/۰۷ در قبل از کنترل (مرحله اول) به ۰/۹۱، تقلیل داد. وقتی متغیر شمار فرزندان ایده‌آل در زمان ازدواج به مجموعه متغیرهای مدل چهار اضافه شد، نسبت همبستگی قومیت و باروری با ۴۷/۶ درصد کاهش به ۰/۱۶۳ و تفاوت باروری گروه‌های قومی نیز به ۰/۵۶ رسید و به این ترتیب با ۴۷/۷ درصد کاهش یافت. این متغیرها در مجموع بیش از ۳۶ درصد واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کنند. با ورود عوامل قومی - فرهنگی به معادله (مراحل ششم و هفتم) اگرچه نسبت همبستگی قومیت و باروری و نیز تفاوت‌های قومی در باروری کاهش یافت، اما میزان کاهش در مقایسه با مرحله پنجم خیلی محسوس نیست و حضور قومیت در معادله همچنان از نظر آماری معنی‌دار است ($F = ۳۰/۷۳$ ، $Sig = ۰/۰۰۰$).

در تحلیل نهایی وقتی اثر مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی کنترل شد، نه تنها از شدت رابطه قومیت و باروری به شدت کاسته شد، (۸۳/۱ درصد) و تفاوت‌های قومی در باروری با ۸۳/۲ درصد کاهش به ۰/۱۸ رسید، بلکه حضور معنی‌دار قومیت در معادله نیز غیر معنی‌دار شد. ($F = ۳/۲۵$ ، $Sig = ۰/۰۷۲$). مقدار واریانس تبیین‌شده در مرحله دهم نشان می‌دهد که ترکیبی از تعیین‌کننده‌های بلافضل، ایده‌آل‌های باروری، عوامل قومی - فرهنگی و مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی همراه با قومیت، ۵۵/۸ درصد واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کنند. مقادیر بتا، در مرحله دهم، نشان می‌دهد که تقدیرگرایی در رفتار باروری، ایده‌آل‌های باروری، سن هنگام ازدواج، وضع سواد و سطح تحصیلات زنان، وضع سواد و سطح تحصیلات مردان، شیردهی، محل سکونت، فاصله بین ازدواج و اولین حاملگی و احساس بی‌عدالتی قومی، به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین واریانس باروری گروه‌های قومی دارند.

نتایج تحلیل طبقات چندگانه نشان داد که حضور تمام متغیرها در معادله، غیر از قومیت، از نظر آماری کاملاً معنی‌دار است. بنابراین، فرض نویسندگان مقاله مبنی بر این‌که «ترکیبی از

عوامل زمینه‌ای و تعیین‌کننده‌های بلافصل نسبت بیشتری از واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کند، پس انتظار می‌رود با کنترل همه‌این ویژگی‌ها و عوامل، از شدت رابطه قومیت و باروری کاسته شود و تأثیر تعیین‌کننده قومیت بر باروری غیر معنی‌دار شود»، مورد تأیید قرار می‌گیرد. نکته دیگری که اشاره به آن ضروری است این است که ورود مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی در معادله (مرحله دهم) باعث شد تا از شدت رابطه عوامل قومی-فرهنگی با باروری کاسته شود و عوامل مربوط به موقعیت گروه اقلیت (احساس بی‌عدالتی قومی) و هنجارهای خُرده‌فرهنگی (تقدیرگرایی در رفتار باروری) تأثیرشان بر رابطه قومیت و باروری، نسبت به زمانی که هنوز اثر مشخصه‌ها کنترل نشده بود، کاهش یابد. بر این اساس، می‌توان گفت مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی که خود تحت تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه اقتصادی-اجتماعی دستخوش تغییر می‌شوند، از طریق عوامل قومی-فرهنگی باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، ادعای محققان، مبنی بر این که زمینه‌های قومی-فرهنگی میانجی تأثیر تغییرات نوسازی بر باروری است، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

تحلیل کوهورت باروری افتراقی، عوامل و تعیین‌کننده‌های آن

در بیشتر مطالعات صورت گرفته در زمینه قومیت و باروری، تحلیل‌ها براساس باروری تراکمی صورت گرفته است. بدون تردید در آزمون فرضیه مشخصه‌ها استفاده از شاخص باروری تراکمی گمراه‌کننده است. اصولاً همانندی در میان نسل‌های جدیدتر گروه اقلیت بیشتر از نسل‌های قبلی است. زنان جوان‌تر گروه اقلیت بهتر از زنان سالخورده الگوی باروری گروه اکثریت را منعکس می‌کنند. اثبات تجربی این ایده مستلزم تحلیل کوهورت باروری گروه‌های قومی است که در بسیاری از مطالعات قبلی نادیده گرفته شده است.

اکنون که به بهترین ترکیب ممکن برای تبیین تفاوت باروری زنان کُرد و تُرک دست یافتیم، بر آن هستیم تا ضمن تحلیل کوهورت تفاوت‌های قومی در باروری، به بررسی نقش عوامل بلافصل و زمینه‌ای مؤثر بر باروری بپردازیم. با این هدف که بدانیم آیا ترکیبی از این عوامل تبیین یکسانی از باروری زنان کُرد و تُرک متعلق به کوهورت‌های مختلف ازدواج به دست می‌دهد. به این منظور، زنان مورد بررسی را برحسب سن هنگام ازدواج به دو کوهورت

ازدواج ۱۳۷۰ و قبل از آن و کوهورت ازدواج ۱۳۷۱ و بعد از آن گروه‌بندی کردیم. گروه اخیر آن‌هایی هستند که در دورهٔ اعمال اولین دور سیاست‌های جمعیتی در راستای تنظیم خانواده و کنترل موالید، که از سال ۱۳۶۸ به‌طور رسمی به اجرا درآمد و هنوز هم در حال اجراست، ازدواج کرده‌اند. این افراد در زمان بررسی در اوج سنین فرزندآوری‌شان بودند. میانگین سنی آن‌ها در زمان بررسی ۲۸/۷ سال است. بنابراین، تحلیل کوهورت باروری افتراقی و عوامل و تعیین‌کننده‌های آن، آگاهی و بینش بهتری در زمینهٔ نقش قومیت در تفاوت‌های باروری و نیز سهم عوامل بلافصل و زمینه‌ای مؤثر بر باروری به دست خواهد داد. برای ارائه تصویری روشن‌تر از عوامل و تعیین‌کننده‌های باروری گروه‌های قومی و روند کاهش در نسبت همبستگی قومیت و باروری و نیز کاهش تفاوت‌های قومی در باروری، جدول شماره ۹ را تهیه کردیم.

جدول شماره ۹. مقایسهٔ تغییرات شدت رابطهٔ قومیت و باروری با در نظر گرفتن تأثیر تراکمی هریک از عوامل بلافصل و زمینه‌ای مؤثر بر باروری در میان گروه‌های مختلف زنان

متغیر	زنان ۱۵ - ۴۹ ساله	کوهورت ازدواج ۱۳۷۱ و بعد از آن	کوهورت ازدواج ۱۳۷۰ و قبل از آن	β تفاوت باروری	β تفاوت باروری	β تفاوت باروری
قومیت	۰/۳۱۹	۱/۰۷	-۰/۳۲۹	-۰/۶۴	۰/۴۸۱	۱/۵۷
سن هنگام ازدواج	۰/۳۰۴	۱/۰۲	-۰/۳۳۴	۰/۶۶	۰/۴۵۲	۱/۴۷
شیردهی	۰/۲۸۲	۰/۹۵	-۰/۳۰۸	۰/۱۶	۰/۴۳۵	۱/۴۲
فاصلهٔ بین ازدواج و اولین حاملگی	۰/۲۷۲	۰/۹۱	-۰/۲۶۸	۰/۵۳	۰/۴۳۵	۱/۴۲
شمار فرزندان ایده‌آل در زمان ازدواج	۰/۱۶۷	۰/۵۶	-۰/۱۷۹	۰/۳۶	۰/۳۵۲	۱/۱۵
تقدیرگرایی در رفتار باروری	۰/۱۶۳	۰/۵۵	-۰/۱۸۶	۰/۳۶	۰/۲۷۷	۰/۹
احساس بی‌عدالتی قومی	۰/۱۶۰	۰/۵۴	-۰/۱۸۳	۰/۳۶	۰/۲۷۴	۰/۸۹
وضع سواد و سطح تحصیلات زن	۰/۰۷۰	۰/۲۴	-۰/۱۱۲	۰/۲۲	۰/۲۲۵	۰/۷۳
وضع سواد و سطح تحصیلات مرد	۰/۰۶۵	۰/۲۲	-۰/۱۰۱	۰/۲	۰/۲۲۲	۰/۷۳
محل سکونت	۰/۰۵۴	۰/۱۸*	-۰/۰۸۸	۰/۱۷*	۰/۲۲۵**	۰/۷۳

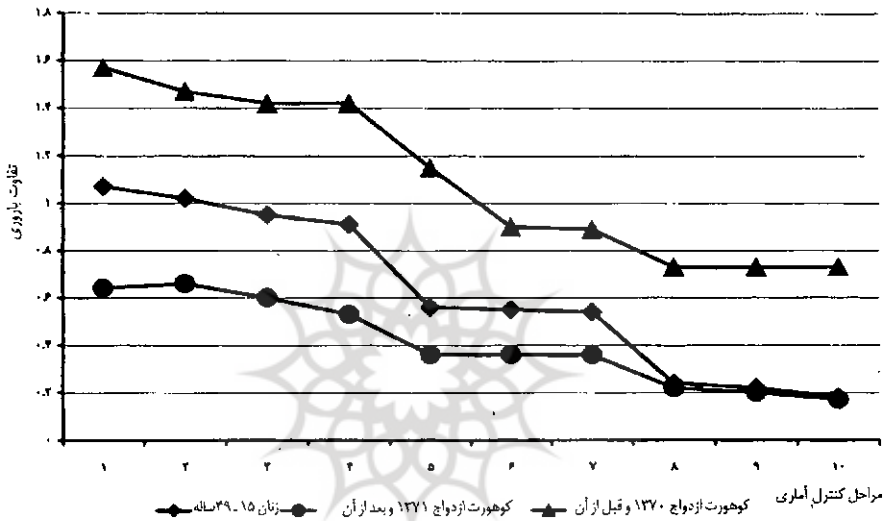
* غیر معنی‌دار
** معنی‌دار در سطح ۰/۰۱

مقادیر پتا در هر ستون، نسبت همبستگی قومیت با باروری با حضور تراکمی هریک از تعیین‌کننده‌های باروری را نشان می‌دهد. برای مثال، در ستون اول ردیف آخر، مقدار $0/054$ نسبت همبستگی قومیت با باروری با کنترل اثر تمام متغیرهاست. ستونی که با عنوان تفاوت باروری مشخص شده نیز بیانگر تأثیر تراکمی تعیین‌کننده‌های باروری بر تفاوت باروری زنان گروه‌های قومی است. برای مثال، مقدار $0/18$ در ستون دوم گویای آن است که با کنترل اثر تمام عوامل بلافصل و زمینه‌ای مؤثر بر باروری، تفاوت باروری گروه‌های قومی از $1/07$ در قبل از کنترل به $0/18$ بعد از کنترل تمام متغیرها رسیده است. اطلاعات جدول شماره ۹ گویای آن است که اختلاف باروری زنان کُرد و تُرک متعلق به کوهورت‌های مختلف ازدواج با هم متفاوت است. در میان کوهورت ازدواج سال ۱۳۷۰ و قبل از آن، تفاوت‌ها به مراتب بیشتر از زمانی است که در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب و پس از آن (کوهورت ازدواج سال ۱۳۷۱ و بعد از آن) به دنیا آمده‌اند. نکته دیگر این است که ضریب تأثیر قومیت بر باروری با کنترل اثر عوامل زمینه‌ای و بلافصل در میان زنان کوهورت‌های مختلف متفاوت است، به طوری که پس از کنترل اثر تمام عوامل، نسبت همبستگی قومیت و باروری در کوهورت ازدواج سال ۱۳۷۱ و بعد از آن با $73/3$ درصد کاهش به $0/088$ رسید و از نظر آماری غیر معنی‌دار شد، در حالی که در کوهورت ازدواج سال ۱۳۷۰ و قبل از آن، نسبت همبستگی قومیت و باروری بالاست، حضور قومیت در معادله معنی‌دار و تفاوت باروری گروه‌های قومی نیز معنی‌دار است.

شکل شماره ۳ تأثیر تراکمی تعیین‌کننده‌های باروری بر تفاوت باروری زنان کوهورت‌های مختلف را نشان می‌دهد. تفاوت باروری زنان کُرد و تُرک در کوهورت ازدواج ۱۳۷۰ و پیش از آن، قبل و پس از کنترل اثر تعیین‌کننده‌های باروری، به مراتب بیشتر از زنان ۱۵ - ۴۹ ساله و زنان متعلق به کوهورت ازدواج سال ۱۳۷۱ و بعد از آن است. در واقع، منحنی تفاوت‌های قومی در باروری حاکی از آن است که تفاوت باروری زنان کُرد و تُرک متعلق به کوهورت‌های اخیرتر ازدواج و زنان ۱۵ - ۴۹ ساله پس از کنترل عوامل و تعیین‌کننده‌های باروری به سمت صفر میل می‌کند، در حالی که تفاوت‌ها در میان زنان متعلق به کوهورت ازدواج سال ۱۳۷۰ و قبل از آن هم چنان معنی‌دار است.

براساس این یافته‌ها باید گفت که نقش قومیت در باروری افتراقی، در میان زنان متعلق به کوهورت‌های قدیمی‌تر ازدواج، قبل و بعد از کنترل تعیین‌کننده‌های باروری همچنان

معنی‌دار است، در حالی‌که در میان زنانی که در شرایط اجرای سیاست‌های جمعیتی دولت در راستای تنظیم خانواده و کنترل مولید ازدواج کرده‌اند، نقش قومیت در تبیین تفاوت‌های قومی در باروری غیر معنی‌دار می‌شود. بنابراین، باید گفت که تأثیر قومیت بر باروری کوهورت‌های مختلف متفاوت است و به نظر می‌رسد که این تأثیر در طول زمان کم‌رنگ‌تر شده است.



شکل شماره ۳. روند تغییرات تفاوت باروری زنان کوهورت‌های مختلف با در نظر گرفتن تأثیر تراکمی عوامل بلا فصل و زمینه‌ای مؤثر بر باروری

نتیجه‌گیری

تحلیل‌گران جمعیتی بر این باورند که پویایی الگوهای باروری در ایران حول سه محور عمده قومیت، مذهب و شرایط اقتصادی-اجتماعی متمرکز است. سهم متفاوت گروه‌های قومی و مذهبی از جمعیت استان آذربایجان غربی، برخورداری ناهمسان آن‌ها از شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، مشارکت نابرابر در دستگاه‌های سیاسی و اداری و احساس بی‌عدالتی قومی و محرومیت اجتماعی از سوی اقلیت‌گرد، بستری مناسب برای بررسی تفاوت‌های قومی در رفتار و تعیین‌کننده‌های باروری فراهم ساخته است. هدف از این تحقیق، تبیین رفتار باروری‌گردها و ترک‌های ساکن شهرستان ارومیه

به منظور دستیابی به یک چارچوب تحلیلی مناسب جهت تبیین رابطه قومیت و باروری است.

نتایج حاکی از آن است که تفاوت‌های معنی‌داری در متوسط زنده‌زایی و سطح باروری زنان گُرد و تُرک وجود دارد. با این حال، نتایج تحلیل کوهورت باروری نشان داد که تفاوت باروری زنان گُرد و تُرک متعلق به کوهورت‌های مختلف ازدواج با هم متفاوت است، به طوری که در کوهورت‌های اخیرتر ازدواج شاهد نوعی همگرایی در باروری زنان گروه‌های قومی هستیم. نتایج همچنین نشان می‌دهد که گُردها در طول زمان تغییرات باروری به مراتب شدیدتری در مقایسه با تُرک‌ها تجربه کرده‌اند. تحلیل تفاوت‌های قومی در عوامل بلافصل و زمینه‌ای و نیز تحلیل همبستگی هر یک از عوامل مذکور با باروری نشان داد که در بسیاری از موارد تفاوت‌های معنی‌داری در عوامل زمینه‌ای و بلافصل مرتبط با باروری و نیز همبستگی عوامل مذکور با باروری در میان گروه‌های قومی وجود دارد.

نویسندگان مقاله در مقابل رویکردهای نظری رایج در موضوع قومیت و باروری، با اتخاذ یک رویکرد ترکیبی در صدد تحلیل تفاوت‌های قومی در باروری برآمدند. منطق نظری نهفته در پس این رویکرد تحلیلی این است که اصولاً هر تئوری بیانگر بخشی از واقعیت است و با توجه به پیچیدگی دنیای اجتماعی، ترکیب رویکردهای نظری گوناگون تبیین بهتری از مسئله مورد بررسی به دست می‌دهد. محققین با این رهیافت نظری تلاش کردند تا ضمن بررسی کارایی نسبی رویکردهای رقیب، به آزمون مدل تحلیلی تحقیق (مدل شماره ۳) بپردازند. نتایج نشان داد که عوامل مورد بررسی در چارچوب رویکرد هنجاری-فرهنگی درصد بیشتری از واریانس باروری را، در مقایسه با عوامل مرتبط با رویکرد همانندی مشخصه‌ها، تبیین می‌کنند. با تمام این‌ها، عوامل مرتبط با رویکرد همانندی مشخصه‌ها کاهش بیشتری در باروری گروه‌های قومی، در مقایسه با رویکرد هنجارهای خرده‌فرهنگی، نشان می‌دهد. تحلیل تفاوت‌های قومی در باروری با رویکرد ترکیبی نشان داد که با کنترل هم‌زمان عوامل بلافصل و زمینه‌ای نه تنها از شدت رابطه قومیت و باروری به میزان قابل توجهی کاسته شد، بلکه تفاوت‌های قومی در باروری نیز با $83/2$ درصد کاهش از $1/07$ ، قبل از کنترل، به $0/18$ بعد از کنترل اثر عوامل زمینه‌ای و بلافصل مورد بررسی تقلیل یافت. براساس این نتایج، تقدیرگرایی در رفتار باروری، ایده‌آل‌های باروری، سن هنگام ازدواج، وضع سواد و سطح تحصیلات زنان، وضع سواد و سطح تحصیلات مردان،

شیردهی، محل سکونت، فاصله بین ازدواج و اولین حاملگی و احساس بی‌عدالتی قومی به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین واریانس باروری گروه‌های قومی دارند. اگرچه حضور این متغیرها در معادله باعث شد تا قومیت تأثیر معنی‌داری در معادله نداشته باشد، اما این متغیرها همراه با قومیت حدود ۵۶ درصد واریانس باروری را تبیین می‌کنند. بنابراین، فرض نویسندگان مقاله مبنی بر این‌که «ترکیبی از عوامل زمینه‌ای و بلافضل نسبت بیشتری از واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کند، پس انتظار می‌رود با کنترل همه این ویژگی‌ها و عوامل از شدت رابطه قومیت و باروری کاسته شود و تأثیر تعیین‌کننده و معنی‌دار قومیت بر باروری غیر معنی‌دار شود»؛ مورد قبول واقع شد. نتایج به دست آمده در تحلیل نهایی همچنین نشان داد که ورود مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی به معادله موجب کاهش شدت رابطه عوامل قومی-فرهنگی با باروری شده است. بر این اساس، ادعای نویسندگان مقاله، مبنی بر این‌که زمینه‌های قومی-فرهنگی میانجی تأثیر تغییرات نوسازی بر باروری است، مورد تأیید قرار گرفت.

تحلیل کوهورت تعیین‌کننده‌های باروری نیز نشان داد که شدت رابطه قومیت و باروری در میان زنان کوهورت‌های مختلف ازدواج متفاوت است، به طوری که پس از کنترل عوامل زمینه‌ای و بلافضل، شدت رابطه قومیت و باروری در کوهورت ازدواج سال ۱۳۷۱ و بعد از آن با ۷۳/۳ درصد کاهش به ۰/۱۸ تقلیل یافت و از نظر آماری غیر معنی‌دار شد، حال آن‌که در کوهورت ازدواج سال ۱۳۷۰ و قبل از آن، نسبت همبستگی قومیت و باروری پس از کنترل تمام عوامل بلافضل و زمینه‌ای همچنان بالاست (۰/۲۲۵) و حضور قومیت در کنار سایر متغیرها و نیز تفاوت باروری گروه‌های قومی معنی‌دار است. براساس این یافته‌ها می‌توان گفت:

۱) اتخاذ یک رویکرد ترکیبی در تحلیل تفاوت‌های قومی در باروری، دست‌کم در منطقه مورد بررسی، تبیین بهتری در مقایسه با رویکرد همانندی مشخصه‌ها و هنجاری-فرهنگی به دست می‌دهد.

۲) تأثیر قومیت بر باروری زمینه‌ای و در کوهورت‌های مختلف ازدواج متفاوت است.
 ۳) تفاوت‌های قومی باروری در گذر زمان محدودتر شده و نوعی همگرایی در باروری زنان کرد و ترک متعلق به کوهورت‌های اخیرتر ازدواج به وجود آمده است. به بیان دیگر، زنان جوان‌تر کرد، بهتر از زنان سالخورده الگوی باروری ترک‌ها را منعکس می‌کنند.

منابع

- بلالی، اسماعیل (۱۳۸۴) «بررسی عوامل ساختاری مؤثر بر تحریم اجتماعی اقوام: مطالعه موردی کردها و ترک‌ها»، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جامعه‌شناسی.
- حسینی، حاتم (۱۳۷۹) «توسعه نابرابر و باروری در استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۷۵)»، مقاله ارائه شده در سمینار طرح مسایل اجتماعی ایران، ۲۵ و ۲۶ خرداد ۱۳۷۹، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران و دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۰) «رابطه مرگ و میر و توسعه در استان‌های ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۷۱-۹۶.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۰ الف) «مطالعات توسعه صنعتی منطقه آذربایجان: آگاهی از شرایط منطقه و کارایی اقتصادی آن جهت برنامه‌ریزی توسعه صنعتی»، بخش اول: بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی منطقه و پیش‌بینی روند تحولات آن تا سال ۱۴۰۰ خورشیدی، وزارت صنایع.
- حسینی، حاتم و امیرهوشنگ مهریار (۱۳۸۵) «قومیت، نابرابری آموزشی و باروری»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۶۷.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۶۱) کدو کاوها و پنداشته‌ها، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- زنجانی، حبیب‌الله و محمدباقر ناصری (۱۳۷۵) «بررسی تفاوت‌های قومی و تأثیر آن بر میزان باروری زنان ایران»، طرح مشترک یونسکو و بخش جمعیت مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- زنجانی، حبیب‌الله، محمد میرزایی، امیرهوشنگ مهریار و کامل شادپور (۱۳۷۸) جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: نشر بشری.
- صادقی، رسول (۱۳۸۳) «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- طالب، مهدی و محسن گودرزی (۱۳۸۲) «قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۱۱۳-۱۴۲، تهران.
- عبّاسی شوازی، محمدجلال (۱۳۸۰) «همگرایی رفتارهای باروری در ایران، میزان، روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، صص ۲۰۱-۲۳۱.
- عبّاسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاووشی، پیتز مک دونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۳) تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب، معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- عبّاسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۶) «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، صص ۲۹-۵۸.
- عبّاسی شوازی، محمدجلال، حاتم حسینی و تی‌نای پنگ (۱۳۸۶) «پویایی توسعه و همگرایی باروری اقوام در ایران»، مقاله ارائه شده در چهارمین کنفرانس انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۴ و ۱۵ اسفند ۱۳۸۶، دانشگاه تهران.

محمودیان، حسین (۱۳۷۹) «پژوهشی در زمینه‌های نظری و نتایج تجربی مهاجرت و باروری»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵، صص ۱۴۷-۱۶۴.

میرزایی، محمد، حبیب‌الله زنجانی، حسن سرایی، سیدمحمد سیدمیرزایی، محمدجلال عباسی شوازی و شهلا کاظمی‌پور (۱۳۸۲) «بررسی و تحلیل مسایل و چالش‌های جمعیتی ایران و پیامدهای آن»، گزارش طرح پژوهشی کمیسیون جمعیت و چالش‌های اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

Abbasi-Shavazi, M. J., P, McDonald and M, Hosseini-Chavoshi (2003) "Changes in Family, Fertility Behavior and Attitudes in Iran", *Working Paper in Demography*, No. 88, Australian National University, Canberra.

Abbasi-Shavazi, M.J and P, McDonald. (2005) "National and Provincial Level-Fertility Trends in Iran, 1972-2000", *Working Paper in Demography*, No. 94, Australian National University, Canberra.

Abbasi-Shavazi, M.J and P, McDonald. (2006) "Fertility Decline in the Islamic Republic of Iran: 1972-2000", *Asian Population Studies*, 2 (3): 217-237.

Abbasi-Shavazi, M.J, and H, Hosseini. (2008) "Ethnic Fertility Differentials in Iran: Trends and Correlates", paper accepted for presentation in European Population Conference (EPC) 2008, Barcelona 9-12th July.

Andorka, R. (1978) *Determinants of Fertility in Advanced Societies*, Methuen and Co Ltd, London.

Bean, F.D. and J.P. Marcum. (1978) "Differential Fertility and the Minority Group Status Hypothesis: An Assessment and Review", In Frank D. Bean and W. Parker Frisvold (eds), *The Demography of Racial and Ethnic Groups*, New York: Academic Press, PP. 189-211.

Behende A.A and T, Kanitkar. (1994) *Principles of Population Studies*, sixth revised edition, Himalaya Publishing House.

Bongaarts J and S.C, Watkins. (1996) "Social Interactions and Contemporary Fertility Transitions", *Population and Development Review*, 22 (4): 639-682.

Coale, A.J. (1973) "The Demographic Transition", in *International Population Conference*, Liege 1973, 1 (Liege: IUSSP): 53-72.

Chami, J. (1981) *Religion and Fertility: Arab-Christian-Muslim Differentials*, Cambridge, Cambridge University Press.

Cho, Lee, Jay, Wilson, H. Grabil and D.J. Bogue. (1970) "Differential Current Fertility

- in the United States", Community and Family Study Center, University of Chicago.
- Cleland, J and C. Wilson. (1987) "Demand Theories of the Fertility Transition: An iconoclastic view", *Population Studies* 41: 5-30.
- Cleland, Jo and G. Rodriguez. (1988) "The Effect of Parental Education on Marital Fertility in Developing Countries", *Population Studies*, 42 (3): 419-442.
- Day, L.H. (1984) "Minority Group Status and Fertility: A More Detailed Test of the Hypothesis", *The Sociological Quarterly* 25: 456-472.
- Erfani, A. (2005) "Shifts in Social Development and Fertility Decline in Iran: A Cluster Analysis of Provinces: 1986-1996", Population Studies Center, in: <http://www.ssc.uwo.ca/sociology/popstudies/dp/dp05-12.pdf>
- Fischer, N.A and J.P. Marcum. (1984) "Ethnic Integration, Socioeconomic Status and Fertility among Mexican-Americans", *Social Science Quarterly*, 65 (2): 583-593.
- Forste R and M, Tienda. (1996) "Whats Behind Racial and Ethnic Fertility Differentials?", *Population and Development Review*, Vol. 22, Supplement: Fertility in the United States: New Patterns, New Theories, PP. 109-133.
- Goldscheider, C and P.R. Uhlenberg. (1969) "Minority Group Status and Fertility", *The American Journal of Sociology* Vol. 74: 361-372.
- Hosseini-Chavoshi, M., P, McDonald and M.J, Abbasi-Shavazi. (2007) "Fertility and Contraceptive Use Dynamics in Iran and its Low Fertility Regions", working paper No. 1, Australian Demographic and Social Research Institute (ADSRI), College of Arts and Social Sciences.
- Johnson, N.E. (1979) "Minority Group Status and the Fertility of Black Americans 1970: A New Look", *American Journal of Sociology*, 84 (6): 1386-1400.
- Kennedy, Robert E. JR (1973) "Minority Group Status and Fertility: The Irish", *American Sociological Review*, 38: 85-96.
- Knodel, J et al. (1999) "Religion and Reproduction Muslims in Buddhist Thailand", *Population Studies*, 53: 149-164.
- Knodel, J and E, Van de Walle. (1979) "Lessons from the Past: Policy Implication of Historical Fertility Studies", *Population and Development Review*, 5 (2): 217-254.
- Kollehlon, K.T. (1989) "Ethnicity and Fertility in Liberia: Test of the Minority Group Status Hypothesis", *Social Biology*, 36 (1-2): 67-81.
- Lopez, D.E and G, Sabagh. (1978) "Untangling Structural and Normative Aspects of the

- Minority Status Fertility Hypothesis", *American Journal of Sociology*, 83 (6): 1491-1497.
- Mahmoudian, H and G.A, Carmichael. (1998) "An Analysis of Muslim Fertility in Australia Using the Own-Children Method", *Journal of Muslim Minority Affairs*, 18 (2): 251-269.
- McDonald, P. (2002) "Low Fertility: Unifying the Theory and the Demography", Paper Prepared for Session 73, *Future of fertility in low fertility countries*, 2002 Meeting of the Population Association of America.
- Mcquillan, K. (2004) "When Dose Religion Influence Fertility?", *Population and Development Review*, 30 (1): 25-56.
- Mirzaie, M. (2005) "Swings in fertility limitation in Iran", *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, 14 (1): 25-33.
- Nai Peng, T. (2002) "Socioeconomic and Ethnic Fertility Differentials in Peninsular Malaysia", Presented at the IUSSP conference on Southeast Asia's Population in Changing Asian Context, Bangkok, Thailand, 10-13 June.
- Population Reference Bureau. (2006) *The 2006 World Population Data Sheet*, New York.
- Poston, D. L and et al. (2003) "Fertility Differences Between Majority and Minority Nationality Groups in China", Department of Sociology, Texas A and M University, College Station, Texas 77843.
- Poston JR, Dudley L, C.F, Chang and H, Dan. (2006) "Fertility Differences between Majority and Minority Nationality Groups in China", *Population Research and Policy Review*, 25: 67-101.
- Ritchy, P.N. (1975) "The Effect of Minority Group Status on Fertility: An Re-Examination of Concepts", *Population Studies*, 29 (2): 249-257.
- Robert, E and J.R, Kennedy. (1973) "Minority Group Status and Fertility: The Irish", *American Sociological Review*, 38: 85-96.
- Rosemary, S.C, L.H, Rogler and Enda Schroder. (1981) "Puertorican Fertility: An Examination of Social Characteristics, Assimilation and Minority Status Variables", *Social Forces*, 59 (4): 1094-1113.
- Spenshade, T.J, and W, Ye. (1994) "Differential Fertility within an Ethnic Minority: The Effect of "Trying Harder" among Chinese-American Women", *Social Problem*, 41 (1): 97-113.

Van de walle, E and J, Knodel. (1980) "Europe's Fertility Transition: New Evidence and Lessons for Today's Developing World, *Population Bulletin*, 34 (6).

Weeks, J.R. (2002) *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, 8th Edition, USA, Wadworth.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی